

Journal of Air Defense Management

Volume 5, Issue 17

Spring 2026

P.P. 29-64

**Research Paper****Validation of the Organizational Environment Improvement Policy-Making Model: A Mixed-Method Study**Elham Khadang¹, Karamollah Daneshfard^{2,3}, Reza Najaf Beigi³

1. PhD Student, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: 3874678539@iaui.ac.ir

2. Professor, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: Daneshfard@iaui.ac.ir

3. Professor, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: R.najafbagy@iaui.ac.ir

Article Information**Abstract****Received:**
2025/11/22**Accepted:**
2026/02/01**Keywords:**

*Policymaking,
Business
Environment,
Validation.*

Corresponding

Author:
Karamollah
Daneshfard

Email:
Daneshfard@iaui.ac.ir

Background & Purpose: Improving the environment for small and medium-sized businesses is considered one of the main drivers of economic growth, job creation, and increasing the economic resilience of countries. In recent years, environmental complexities, economic uncertainties, and institutional challenges have led to the need for valid models for policymaking for the development of these enterprises. Accordingly, this article designs and validates a policymaking model for improving the environment for small and medium-sized businesses using a mixed approach.

Methodology: This applied research was conducted using an exploratory mixed approach. In the qualitative section, semi-structured interviews were conducted with experts in the field of small and medium-sized businesses to identify effective factors and develop an initial policymaking model. Samples were selected in a criterion-based, purposeful manner, and data were collected until theoretical saturation. Qualitative data were analyzed using the Attridge-Stirling theme network method. In the quantitative part, a descriptive-survey method was used to validate the extracted model. The statistical population included managers and experts of SMEs, and sampling was carried out on an accessible basis. Quantitative data were also analyzed through structural equation modeling.

Findings: Data analysis showed that improving the environment for small and medium-sized businesses is influenced by five basic axes: a responsive political-legal environment that increases transparency, facilitates administrative processes, and strengthens trust; a stable and predictable economic environment that helps promote resilience and continuity of performance; a supportive socio-cultural environment that facilitates the growth of human capabilities and network collaborations; an innovation-based technological environment that increases the ability to adopt and develop technology; and a competitive international environment that enhances the presence of small and medium-sized businesses in regional and global arenas. In addition, the results of the quantitative section showed that the proposed model has a good fit and all its dimensions and components were approved.

Conclusion: From a managerial perspective, this model implies that improving the business environment is not possible only through sectoral reforms, but also requires institutional coordination, integrated policymaking, investment in technology, promotion of human capital, and strengthening international interactions. Therefore, managers and policymakers can rely on this model to design targeted programs to facilitate the path of growth, innovation, and competitiveness of small and medium-sized businesses in the country.

Citation: Khadang, Elham; Daneshfard, Karamollah and Najaf Beigi, Reza. (2026). Validation of the Organizational Environment Improvement Policy-Making Model: A Mixed-Method Study. *Journal of Air Defense Management*, 5(17), 29-64.



فصلنامه علمی مدیریت دفاع هوایی

دوره ۵، شماره ۱۷

بهار ۱۴۰۵

صص ۶۴-۲۹



مقاله پژوهشی

اعتبارسنجی الگوی خطمشی گذاری بهبود محیط فعالیت سازمان: یک مطالعه آمیخته

الهام خدنگ^۱، کرماله دانش فرد^۲، رضا نجف بیگی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: 3874678539@iau.ac.ir

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Daneshfard@iau.ac.ir

۳. استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: R.najafbagy@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

زمینه و هدف: بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشورها مطرح است. در سال‌های اخیر، پیچیدگی‌های محیطی، عدم قطعیت‌های اقتصادی و چالش‌های نهادی موجب شده است که سیاست‌گذاری برای توسعه این بنگاه‌ها نیازمند الگوهایی معتبر باشد. بر این اساس، در این مقاله به طراحی و اعتبارسنجی الگوی خطمشی گذاری بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط با رویکرد آمیخته پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی: این پژوهش کاربردی با رویکرد آمیخته اکتشافی انجام شد. در بخش کیفی، برای شناسایی عوامل مؤثر و تدوین الگوی اولیه خطمشی گذاری، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط انجام گرفت. نمونه‌ها به صورت هدفمند ملاک‌محور انتخاب شدند و داده‌ها تا اشباع نظری گردآوری شد. تحلیل داده‌های کیفی با روش شبکه مضامین اترید-استرلینگ صورت گرفت. در بخش کمی، با هدف اعتبارسنجی مدل استخراج‌شده، از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان کسب و کارهای کوچک و متوسط بود و نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد. داده‌های کمی نیز از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل گردید.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط از پنج محور اساسی اثر می‌پذیرد؛ محیط سیاسی - قانونی پاسخگو که موجب افزایش شفافیت، تسهیل فرایندهای اداری و تقویت اعتماد می‌شود؛ محیط اقتصادی با ثبات و قابل پیش‌بینی که به ارتقای تاب‌آوری و استمرار عملکرد کمک می‌کند؛ محیط اجتماعی - فرهنگی حمایتگر که رشد قابلیت‌های انسانی و همکاری‌های شبکه‌ای را تسهیل می‌سازد؛ محیط فناورانه مبتنی بر نوآوری که توان پذیرش و توسعه فناوری را افزایش می‌دهد؛ و محیط بین‌المللی رقابت‌محور که موجب ارتقای حضور کسب و کارهای کوچک و متوسط در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی می‌گردد. علاوه بر این، نتایج بخش کمی نشان داد که مدل پیشنهادی از برآزش مطلوبی برخوردار است و تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: از منظر مدیریتی، این مدل دلالت می‌کند که بهبود محیط کسب و کار تنها از مسیر اصلاحات بخشی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم هماهنگی نهادی، سیاست‌گذاری یکپارچه، سرمایه‌گذاری در فناوری، ارتقای سرمایه انسانی و تقویت تعاملات بین‌المللی است. بنابراین مدیران و سیاست‌گذاران می‌توانند با اتکا به این الگو، برنامه‌های هدفمند و مبتنی بر شواهد را طراحی کنند تا مسیر رشد، نوآوری و رقابت‌پذیری کسب و کارهای کوچک و متوسط در کشور تسهیل شود.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۱۲

کلیدواژه‌ها:

خطمشی گذاری، محیط کسب و کار، اعتبارسنجی.

نویسنده مسئول:

کرماله دانش فرد

ایمیل:

Daneshfard @
iau.ac.ir

استناد: خدنگ، الهام؛ دانش فرد، کرماله و نجف بیگی، رضا. (۱۴۰۵). اعتبارسنجی الگوی خطمشی گذاری بهبود محیط فعالیت سازمان: یک

مطالعه آمیخته. فصلنامه مدیریت دفاع هوایی، ۵(۱۷)، ۶۴-۲۹

مقدمه

در سال‌های اخیر، گذار از پارادایم «خصوصی‌سازی» در دهه‌های نخست جهانی شدن به سمت رویکرد جدید «بهبود محیط کسب‌وکار» در سیاست‌گذاری اقتصادی، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در دهه ۱۹۸۰، خصوصی‌سازی عمدتاً به‌عنوان راهکاری برای افزایش کارایی و کاهش بار دولت مطرح شد، اما تجربه کشورهای نشان داد که واگذاری بنگاه‌ها بدون اصلاح نهادها و فراهم‌سازی بسترهای نهادی، قانونی و ساختاری مناسب، به ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری پایدار منجر نمی‌شود (هفتز و وارنر^۱، ۲۰۰۱). از این‌رو، رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار، تمرکز را از مالکیت صرف به توانمندسازی بنگاه‌ها و ایجاد فضای رقابتی با ثبات مقررات، نهادهای کارآمد و ساختارهای حمایتی انتقال داده است (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

بهبود محیط کسب‌وکار به‌عنوان عاملی کلیدی در رشد اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای رقابت‌پذیری بین‌المللی شناخته می‌شود. بنگاه‌های کوچک و متوسط حدود ۹۹ درصد از کل بنگاه‌های اقتصادی کشورهای عضو آئی‌سی‌دی را تشکیل می‌دهند و سهمی بیش از ۶۰ درصد در اشتغال و تولید ناخالص داخلی دارند (آئی‌سی‌دی، ۲۰۲۰). همچنین، این بنگاه‌ها در توسعه پایدار و کاهش نابرابری‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند (اوجیامبو^۲، ۲۰۲۳). در اقتصادهای نوظهور، فراهم کردن محیط شفاف، رقابتی و قابل پیش‌بینی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌شرط دستیابی به رشد فراگیر و مقاوم است.

در ایران نیز، بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش محوری در ایجاد اشتغال، توسعه منطقه‌ای و تحقق اقتصاد مقاومتی دارند، اما محیط فعالیت آن‌ها با چالش‌هایی جدی مواجه است. بی‌ثباتی مقررات، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، فرآیندهای اداری پیچیده، محدودیت دسترسی به تأمین مالی و فقدان بازارهای مناسب، رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط را محدود کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰؛ جعفری، ۲۰۲۲). بنابراین، طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری بومی و یکپارچه برای بهبود محیط کسب‌وکار، ضرورتی اساسی برای تحقق رشد اقتصادی پایدار و رقابت‌پذیر در ایران است (حسینی و غفاری، ۱۳۹۹).

دولت‌ها به‌عنوان بازیگر محوری در شکل‌گیری، تنظیم و پشتیبانی از فضای کسب‌وکار نقش بی‌بدیلی دارند. ساختار نهادی کارآمد، قوانین و مقررات شفاف و سازمان‌های دولتی

^۱. Hefetz & Warner

^۲. Ojiambo

توانمند، بنگاه‌ها را قادر می‌سازد با ریسک کمتر، هزینه پایین‌تر و سرعت بیشتر فعالیت کنند، درحالی‌که دخالت‌های بی‌رویه، مقررات دست‌وپاگیر و فقدان هماهنگی نهادی، بنگاه‌ها را به فعالیت در بخش غیررسمی یا استفاده ناقص از ظرفیت‌های خود سوق می‌دهد (یدوانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۴؛ لاندژوهو^۲، ۲۰۲۴). در نتیجه، سیاست‌گذاری عمومی که دولت را تسهیل‌گر و پشتیبان بنگاه‌ها بداند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

بهبود محیط کسب‌وکار نیازمند توجه همزمان به چند بُعد کلیدی است: ابعاد سیاسی-قانونی (ثبات سیاست‌ها، نهادسازی، شفافیت مقررات)، ابعاد اقتصادی (ثبات کلان، دسترسی به تأمین مالی، مشوق‌ها)، ابعاد نهادی/مدیریتی (هماهنگی بین نهادها، کیفیت خدمات عمومی)، ابعاد فنی-فناورانه (زیرساخت‌های دیجیتال، دسترسی به فناوری و شبکه‌های نوآوری) و ابعاد انسانی (مهارت‌ها، آموزش و سرمایه انسانی). شواهد تجربی نشان می‌دهد که اصلاح یک یا دو بعد به‌تنهایی کافی نیست و ترکیب همزمان اصلاحات در این حوزه‌ها، بیشترین اثر را بر عملکرد بنگاه‌ها و کیفیت توسعه اقتصادی دارد (هی و یائو، ۲۰۲۲؛ اُی‌سی‌دی، ۲۰۲۱). در ایران نیز پژوهش‌های مروری و میدانی حاکی از آن است که تمرکز صرف بر یک بعد ناکافی است و رویکرد چندبعدی ضروری است.

ابعاد مختلف محیط کسب‌وکار در عمل با موانع بوروکراتیک، اداری، مالی و حقوقی درهم می‌آمیزند. موانع اداری شامل طولانی بودن فرآیند صدور و تمدید مجوزها، فقدان پنجره واحد خدمات و پیچیدگی رویه‌هاست؛ موانع مالی شامل محدودیت دسترسی به ابزارهای مالی، مشکل وثیقه و هزینه بالای تأمین مالی است؛ و موانع حقوقی/قضایی شامل عدم شفافیت مقررات، اجرای ناقص قوانین و فقدان سازوکار حل اختلاف سریع است. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که ترکیب این موانع فشار زیادی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط وارد می‌کند و اولویت‌بندی سیاستی باید بر رفع آن‌ها متمرکز باشد.

تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد اثرگذاری سیاست‌ها و اصلاحات، وابسته به بافت نهادی، ظرفیت اجرایی و هماهنگی سیاستی کشورهاست. به‌عنوان مثال، در چین تلاش هماهنگ برای بهبود محیط کسب‌وکار شامل تسهیل مقررات، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ارتقای سرمایه انسانی توانسته شاخص‌ها و کیفیت توسعه را بهبود بخشد، اما اثرات آن در صنایع و مناطق مختلف ناهمگون بوده است (هی و یائو، ۲۰۲۲؛ هو، ۲۰۲۴). تجارب اُی‌سی‌دی نیز بر اهمیت حاکمیت چندسطحی، قوانین هوشمند و خدمات توسعه کسب‌وکار

1. Yadewani

2. Landjohou

هدفمند برای بنگاه‌های کوچک و متوسط تأکید دارد (ا‌ی‌سی‌دی، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر، بسته سیاستی ترکیبی شامل بهینه‌سازی مقررات، توسعه تأمین مالی، ارتقای زیرساخت دیجیتال و برنامه‌های آموزشی هدفمند در بستر نهادی هماهنگ، بیشترین احتمال موفقیت را دارد؛ درس مهمی که برای طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب‌وکار در ایران قابل اقتباس است.

با وجود سهم بالای بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ملی ایران — تقریباً ۹۴ درصد از واحدهای صنعتی و سهم قابل توجهی در اشتغال صنعتی (حسین‌پور و همکاران، ۲۰۲۰) — این بنگاه‌ها با چالش‌های متعدد در نظام اداری، مالی، قانونی و بازار مواجه هستند. محدودیت دسترسی به خدمات دولتی، فقدان مشاوره و نوآوری، و دشواری حضور مؤثر در زنجیره‌های ارزش داخلی و بین‌المللی، رشد آن‌ها را محدود می‌کند (عبدی، ۲۰۱۷). در این شرایط، طراحی سیاست‌ها و زیرساخت‌های حمایتی اختصاصی، از جمله پنجره واحد خدمات، تسهیل تأمین مالی، آموزش و توانمندسازی مدیران، توسعه بازارهای داخلی و صادراتی، و تقویت شبکه‌های همکاری، برای فعال‌سازی ظرفیت بنگاه‌های کوچک و متوسط ضروری است (حسین‌پور و همکاران، ۲۰۲۰).

با وجود اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط، پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های موجود در ایران عمدتاً به تحلیل کلی فضای کسب‌وکار پرداخته و به طراحی الگوی خط‌مشی یکپارچه و بومی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط نپرداخته‌اند. مطالعات پیشین اغلب محدود به شاخص‌های کلان اقتصادی یا مقایسه بین‌المللی بوده و کمبود چارچوب عملیاتی که سیاست‌های تسهیل‌گر، مالی، قانونی و نهادی را در قالب یک مدل یکپارچه ارائه دهد، محسوس است (اعتماد و رایت، ۲۰۲۰؛ رحیمی، ۲۰۱۹). همچنین، عدم تلفیق ابعاد سیاسی، اقتصادی، نهادی، قانونی، فناوری و انسانی محیط کسب‌وکار در طراحی سیاست‌ها، شکاف اصلی محسوب می‌شود (جعفری و محمدی، ۲۰۲۱). بر این اساس، مسأله پژوهش این است که چگونه می‌توان یک الگوی خط‌مشی یکپارچه و بومی برای بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران طراحی کرد که تمام ابعاد را در نظر گرفته، شکاف‌های موجود در سیاست‌گذاری ملی را پر کند و قابلیت اجرای عملی داشته باشد. این الگو، علاوه بر رفع موانع، راهکارهای توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط را نیز ارائه کرده و چارچوب تصمیم‌گیری برای سیاست‌گذاران فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

خط‌مشی‌گذاری به مجموعه فرآیندها و اقدامات سازمانی گفته می‌شود که از شناسایی مسائل

و نیازها آغاز شده و با طراحی، اجرا و ارزیابی اقدامات و مقررات، به اهداف مشخص اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی منجر می‌شود (دای، ۲۰۱۳). این فرآیند شامل مراحل تحلیل محیط، شناسایی گزینه‌های سیاستی، انتخاب ابزارها، تعیین مسئولیت‌ها و نهایتاً پایش و اصلاح سیاست‌هاست. نظریه‌های خطمشی‌گذاری به ما کمک می‌کنند تا تعامل بین دولت، نهادهای اجتماعی و بازار را درک کنیم و چارچوبی نظام‌مند برای تصمیم‌گیری فراهم نمایند (هاولت و رامش، ۲۰۱۶). به طور ویژه، خطمشی‌گذاری اثرگذار باید مبتنی بر داده‌ها و شواهد، توجه به ذی‌نفعان و هماهنگی میان نهادها باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه باشد (لاسول، ۱۹۵۱).

در سطح نظری، رویکردهای مختلف خطمشی‌گذاری شامل رویکرد عقلایی، نهادی، فرآیندی و چندعاملی، بر اهمیت تحلیل دقیق محیط، شناخت بازیگران و طراحی سازوکارهای اجرایی تمرکز دارند (کینگدون، ۲۰۱۴). رویکرد عقلایی بر انتخاب بهترین گزینه‌ها بر اساس هدف‌گذاری و ارزیابی اثرات تأکید دارد، در حالی که رویکرد نهادی به ساختارهای دولتی و قواعد بازی در شکل‌دهی سیاست‌ها توجه می‌کند. همچنین، رویکرد چندعاملی به بررسی تعامل بین مشکلات، راه‌حل‌ها و جریان‌های سیاسی می‌پردازد تا فرآیند سیاست‌گذاری موفق‌تر شود. شناخت این رویکردها به پژوهشگران امکان می‌دهد چارچوبی جامع برای تحلیل و طراحی خطمشی‌های اثربخش ارائه دهند و در نتیجه، پایه نظری محکمی برای بررسی پیوند خطمشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ایجاد شود (ساباتیه، ۲۰۰۷).

محیط کسب‌وکار؛ محیط کسب‌وکار به مجموعه شرایط، عوامل و نیروهای بیرونی و درونی گفته می‌شود که عملکرد و تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهایی برای فعالیت اقتصادی ایجاد کند (دیویس، ۲۰۱۰). این محیط شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی-قانونی، اجتماعی-فرهنگی، فناوری و نهادی است که تعامل آن‌ها با بنگاه‌ها، چارچوب عملیاتی و رقابتی آن‌ها را شکل می‌دهد (پورت، ۱۹۸۰). محیط کسب‌وکار مناسب، شفاف، پایدار و قابل پیش‌بینی، زمینه رشد و توسعه بنگاه‌ها و ارتقای رقابت‌پذیری را فراهم می‌آورد و موجب افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

بررسی‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل محدودیت منابع، انعطاف‌پذیری کمتر و دسترسی محدود به بازارهای مالی و اطلاعاتی، به محیط کسب‌وکار حساس‌تر هستند و هرگونه ناپایداری یا پیچیدگی در مقررات، ساختار نهادی و فرآیندهای اداری می‌تواند رشد و توسعه آن‌ها را به شدت محدود کند (استیگلر،

(۲۰۱۱). بنابراین، تحلیل محیط کسب و کار، شناسایی موانع و فرصت‌ها و طراحی سیاست‌ها و استراتژی‌های منطبق با آن، برای توانمندسازی بنگاه‌ها و بهبود عملکرد آن‌ها ضروری است (هلفت، ۲۰۱۵). این مبنای پایه‌ای برای بررسی ارتباط میان خطمشی‌گذاری و محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط فراهم می‌آورد و امکان طراحی الگوی عملیاتی برای ارتقای فضای کسب و کار را ایجاد می‌کند.

پیوند خطمشی‌گذاری و بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط

پیوند میان خطمشی‌گذاری و بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط، نشان‌دهنده نقش حیاتی دولت و سازوکارهای سیاستی در توانمندسازی بنگاه‌ها است. خطمشی‌گذاری، از طریق شناسایی چالش‌ها و نیازهای کسب و کارهای کوچک و متوسط و طراحی راهکارهای مقرراتی، نهادی و حمایتی، می‌تواند موانع قانونی، اداری و مالی را کاهش دهد و فضای کسب و کار را شفاف و پیش‌بینی‌پذیر سازد (دیویس، ۲۰۱۰؛ لاسول، ۱۹۵۱). شواهد نشان می‌دهد بسته‌های سیاستی ترکیبی که شامل اصلاح مقررات، توسعه تأمین مالی، تقویت زیرساخت‌های فناورانه و ارتقای مهارت‌های انسانی هستند، اثر قابل توجهی بر عملکرد و پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط دارند و موجب رشد اقتصادی فراگیر می‌شوند (هلفات، ۲۰۱۵؛ بانک جهانی، ۲۰۲۰). به بیان دیگر، سیاست‌گذاری هوشمند و داده‌محور نه تنها چارچوب‌های قانونی را بهینه می‌کند، بلکه ظرفیت اجرایی بنگاه‌ها را نیز تقویت کرده و زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌آورد.

رویکردهای مختلف خطمشی‌گذاری، از جمله رویکرد عقلایی، نهادی و چندعاملی، اهمیت هماهنگی میان نهادها و مشارکت ذی‌نفعان را برجسته می‌سازند و تأثیر مستقیم بر بهبود محیط کسب و کار کسب و کارهای کوچک و متوسط دارند (کینگدون، ۲۰۱۴؛ هاولت و رامش، ۲۰۱۶). به‌ویژه، در اقتصادهای نوظهور، که کسب و کارهای کوچک و متوسط سهم قابل توجهی در اشتغال و تولید ناخالص داخلی دارند، طراحی و اجرای سیاست‌های بومی و یکپارچه می‌تواند موانع نهادی و مالی را کاهش دهد و نوآوری، رقابت‌پذیری و انعطاف‌پذیری بنگاه‌ها را افزایش دهد (پورتر، ۱۹۸۰؛ استیگلر، ۲۰۱۱). بنابراین، پیوند منطقی میان فرآیندهای سیاست‌گذاری و بهبود محیط کسب و کار کسب و کارهای کوچک و متوسط، اساس طراحی الگوهای سیاستی مؤثر و کاربردی را تشکیل می‌دهد و چارچوب نظری قوی برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد.

پیشینه تجربی

در این بخش تلاش شد تا شواهد و یافته‌های حاصل از مطالعات انجام‌شده در حوزه

خطمشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گیرد. مرور تجربیات ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری هدفمند و طراحی بسته‌های حمایتی مناسب، تأثیر مستقیم بر عملکرد، رقابت‌پذیری و پایداری بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد. فیضی و پوشدوزباشی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع و سهم آنها در ایجاد اشتغال (مطالعه صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه)» انجام دادند. این پژوهش با هدف تحلیل سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال در صنایع تولیدی در دوره برنامه دوم توسعه کشور انجام شد. در این پژوهش از روش‌شناسی کمی (پیمایشی کاربردی) استفاده شد و جامعه آماری شامل بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در صنایع تولیدی ایران بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بنگاه‌های کوچک و متوسط سهم قابل توجهی در اشتغال صنعتی دارند، اما با موانع جدی در مسیر رشد و توسعه مواجه‌اند. حسینی و غفاری (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «بررسی موانع حقوقی، اداری و مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران و ارائه راهکارهای سیاستی» انجام دادند. این پژوهش با هدف شناسایی موانع محیط کسب‌وکار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه چارچوب سیاستی مناسب انجام شد. روش‌شناسی پژوهش، تحلیل کیفی مبتنی بر مصاحبه با خبرگان و پیمایش مدیران بود و جامعه آماری شامل مدیران ارشد ۱۰۰ بنگاه کوچک و متوسط در استان‌های کشور بود. نتایج نشان داد که پیچیدگی مقررات، ضعف هماهنگی نهادی و دشواری دسترسی به تأمین مالی، از مهم‌ترین موانع این بنگاه‌ها محسوب می‌شوند.

رضایی‌مطلع و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «موانع و چالش‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران» به این نکته اشاره کردند که بنگاه‌های کوچک و متوسط، با وجود نقش مهم خود در اقتصاد، تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و ارتقای صنعت، نرخ شکست بالایی دارند و اغلب در ابتدای مسیر رشد متوقف می‌شوند. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، مطالعات تجربی مرتبط با رشد، توسعه و شکست کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تولیدی در ایران را بررسی و وجوه مشترک نتایج آن‌ها را تبیین کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل برون‌سازمانی، از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و چارچوب‌های قانونی و مقرراتی، تأثیر بسزایی بر عملکرد این بنگاه‌ها دارند. همچنین، عوامل درون‌سازمانی مانند مدیریت تولید و عملیات، بازاریابی، سازمان و مسائل مالی نیز نقش مهمی در مسیر توسعه این کسب‌وکارها ایفا می‌کنند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «طراحی مدل خطمشی‌گذاری در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با تأکید بر نوآوری» انجام دادند. این پژوهش با هدف طراحی مبنای تئوریک دقیق برای خطمشی‌گذاری در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و

متوسط و تقویت اقتصاد کارآفرینانه انجام شد. روش‌شناسی پژوهش ترکیبی (کیفی و کمی) بود و جامعه آماری شامل خبرگان و متخصصان حوزه توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای مرتبط بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که الگوی ارائه‌شده در چهار بعد عوامل مؤثر بر توسعه کسب‌وکار، خط‌مشی‌های توسعه، نهادهای خط‌مشی‌گذاری و عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط قابل ترسیم است و نوآوری به‌عنوان محور کلیدی در خط‌مشی‌گذاری توسعه این بنگاه‌ها عمل می‌کند.

هداوند و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با تأکید بر نقش اقتصاد مقاومتی» معتقدند که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از مهم‌ترین و مؤثرترین راهکارها برای توسعه همه‌جانبه یک کشور محسوب می‌شوند. اهمیت ایجاد و توسعه این کسب‌وکارها در مناطق مختلف کشور بر کسی پوشیده نیست. این پژوهش با هدف طراحی مدل توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با تأکید بر اقتصاد مقاومتی در استان لرستان انجام شد و از نظر هدف کاربردی است. روش تحقیق مورد استفاده، کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد ساختارمند بود. جامعه آماری شامل مدیران، متخصصان و صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استان لرستان بود که ۱۸ نفر از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد و فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به سطح اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل کیفی داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که مقوله اصلی مؤثر بر توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در استان لرستان، «طرح توسعه مقاومتی» است. همچنین عوامل علی مؤثر شامل مؤلفه‌های شرایط دسترسی و برنامه‌ریزی، عوامل زمینه‌ای شامل بهبود فضای کسب‌وکار، عوامل مداخله‌گر شامل مؤلفه‌های موانع، و عوامل راهبردی شامل مؤلفه‌های بکارگیری اقتصاد مقاومتی شناسایی شدند.

ریاضی و بحرینی (۱۴۰۱) در پژوهشی دیگر بیان کردند که اهمیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تولیدی بیش از پیش برجسته شده است، زیرا این کسب‌وکارها سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی دارند و به نوعی موتور محرکه اقتصاد محسوب می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر راه‌اندازی و تداوم عملکرد مطلوب کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، توسعه و بهبود محیط کسب‌وکار است. هدف این پژوهش، شناسایی تأثیر بهبود شاخص‌های محیط کسب‌وکار بر راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بود. در بخش کیفی پژوهش از ابزار مصاحبه و در بخش کمی از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که عواملی مانند شروع کسب‌وکار،

اخذ مجوزهای کسب و کار، دسترسی به برق، تأمین اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای امنیت سرمایه‌گذاری، سطح فساد، دسترسی به اطلاعات، رقابت‌پذیری، تحریم، تعاملات بین‌المللی، سرمایه خارجی، تورم، مداخلات دولت، هماهنگی بین سازمان‌ها و خروج نخبگان، تأثیر معناداری بر راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط دارند. در مقابل، شاخص‌های ثبت مالکیت، ورشکستگی و فضای مجازی تأثیر معناداری بر راه‌اندازی این بنگاه‌ها نشان ندادند.

شهسواری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های مدل ارزیابی خطمشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید در خوشه کسب و کارهای کوچک و متوسط، تأکید کردند که خوشه‌های کسب و کار نقش محوری در توسعه منطقه‌ای کشورها ایفا می‌کنند. در این خوشه‌ها، نوآوری و کارآفرینی برای بنگاه‌های جدید با سهولت بیشتری ایجاد می‌شود. با وجود اینکه بسیاری از بنگاه‌ها در خوشه‌ها از نظر اندازه کوچک و متوسط هستند، این خوشه‌ها سهم قابل توجهی در شاخص‌های اقتصادی مانند اشتغال، تولید و صادرات دارند. بنابراین، خطمشی‌های مرتبط با خوشه‌های کسب و کار باید به گونه‌ای تدوین شوند که رونق تولید داخلی را تقویت کنند. هدف این تحقیق شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های اصلی مدل ارزیابی خطمشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید در خوشه‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط بود. پژوهش با استفاده از روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی مرتبط با حوزه صنعت انجام شد. نتایج نشان داد که استفاده از سیستم مستقل ارزیابی برای خطمشی‌ها، ایجاد نظام نظارت و بازخواست از نتایج اجرای خطمشی‌ها و دسترسی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، از مهم‌ترین الزامات ارزیابی خطمشی‌های صنعتی است. در نهایت، پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل ارزیابی با بهره‌گیری از «استراتژی تحلیل مضمون» شناسایی شدند.

گارسیا و مارتینز در سال ۲۰۲۴ پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیر مدل‌های خطمشی جامع بر شاخص‌های محیط کسب و کار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در آمریکای لاتین» انجام دادند. هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی در چارچوب سیاست‌گذاری جامع بود که می‌تواند موانع بوروکراتیک را کاهش داده و دسترسی به منابع مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را افزایش دهد. در این پژوهش از روش‌شناسی ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده شد و جامعه آماری شامل ۱۵۰ مدیر ارشد سازمان‌های توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ۱۲۰۰ بنگاه کوچک و متوسط در سه کشور آمریکای لاتین بود. نتایج نشان داد که هماهنگی بین نهادی و تمرکززدایی در خدمات‌رسانی، قوی‌ترین

عوامل مؤثر بر بهبود شاخص‌های سهولت کسب‌وکار و دسترسی به اعتبار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند.

چن و لی در سال ۲۰۲۳ پژوهشی با عنوان «تحلیل اثرات متفاوت سیاست‌های نوآوری بر رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با فناوری بالا و سنتی در چین» انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی اثربخشی سیاست‌های مالی و غیرمالی دولت بر توسعه نوآوری و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها با در نظر گرفتن ناهمگنی آن‌ها بود. روش‌شناسی پژوهش کمی و مبتنی بر اقتصادسنجی داده‌های پانل بود و جامعه آماری شامل داده‌های مالی و عملکردی بیش از ۵۰۰۰ بنگاه کوچک و متوسط فهرست شده در بورس چین طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ بود. نتایج نشان داد که یارانه‌های دولتی اثر قوی‌تری بر بنگاه‌های فناوری بالا دارند، در حالی که معافیت‌های مالیاتی تأثیر مثبت معنادارتری بر ارتقای نوآوری در بنگاه‌های سنتی دارند. بنابراین، مدل‌های خط‌مشی‌گذاری باید رویکرد افتراقی داشته باشند.

کوواج و رادولسکو در سال ۲۰۲۴ پژوهشی با عنوان «طراحی چارچوب ارزیابی سیاست‌های محیط کسب‌وکار با تمرکز بر توسعه پایدار بنگاه‌های کوچک و متوسط در اتحادیه اروپا» انجام دادند. هدف این پژوهش ارائه چارچوبی جامع برای ارزیابی میزان همسویی سیاست‌های دولتی با اهداف توسعه پایدار و تأثیر آن بر پایداری بنگاه‌ها بود. روش‌شناسی پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل اسناد و مصاحبه‌های عمیق بود و جامعه آماری شامل ۳۰ کارشناس ارشد کمیسیون اروپا، سازمان‌های توسعه پایدار و رهبران انجمن‌های صنعتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در اتحادیه اروپا بود. نتایج نشان داد که موفقیت سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار تنها به حمایت مالی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ارائه ابزارهای دیجیتالی‌سازی سبز و شفافیت در استانداردهای زیست‌محیطی است و این امر ضرورت درج ابعاد «پایداری» در مدل‌های خط‌مشی‌گذاری را برجسته می‌کند.

اوزکان و دمیرل در سال ۲۰۲۳ پژوهشی با عنوان «نقش حاکمیت و فساد در تعدیل تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه» انجام دادند. هدف پژوهش بررسی اثر کیفیت حاکمیت و سطح فساد بر اثربخشی سیاست‌های مالی دولت در حمایت از رشد بنگاه‌ها بود. روش‌شناسی پژوهش کمی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری بود و جامعه آماری شامل داده‌های شاخص‌های حاکمیت بانک جهانی و اطلاعات مالی بیش از ۲۰۰۰ بنگاه کوچک و متوسط در ۱۰ کشور با درآمد متوسط رو به پایین بود. نتایج نشان داد که در محیط‌هایی با فساد و بوروکراسی بالا، اثرات مثبت سیاست‌های مالی بر رشد بنگاه‌ها به‌طور معناداری کاهش می‌یابد و این موضوع ضرورت در نظر گرفتن مؤلفه «شفافیت و حاکمیت» را به‌عنوان بخشی حیاتی از هر مدل

خطمشی‌گذاری تأکید می‌کند.

لی و همکاران در سال ۲۰۲۴ پژوهشی با عنوان «الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر اکوسیستم برای بهبود دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به بازارهای بین‌المللی» انجام دادند. هدف پژوهش توسعه یک الگوی سیاست‌گذاری یکپارچه بود که به جای تمرکز بر حمایت‌های فردی از بنگاه‌ها، بر تقویت کل اکوسیستم صادراتی شامل زیرساخت‌ها، دانش و شبکه‌ها متمرکز باشد. روش‌شناسی پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعات موردی تطبیقی بود و جامعه آماری شامل مطالعه عمیق اکوسیستم‌های توسعه صادرات بنگاه‌ها در سنگاپور، کره جنوبی و آلمان بود. نتایج نشان داد که مدل‌های موفق سیاست‌گذاری بین‌المللی آن‌هایی هستند که بر تسهیل دسترسی به پلتفرم‌های دیجیتال تجارت فرامرزی و ایجاد شبکه‌های مشاوره تخصصی تمرکز دارند، نه صرفاً ارائه یارانه صادراتی، که این امر ضرورت تغییر رویکرد از حمایت مالی مستقیم به ایجاد بستر اکوسیستمی را نشان می‌دهد.

مرور مطالعات انجام‌شده در حوزه خطمشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نشان می‌دهد که تحقیقات ملی و بین‌المللی همگی بر اهمیت سیاست‌گذاری هدفمند و طراحی بسته‌های حمایتی مناسب برای ارتقای عملکرد و پایداری بنگاه‌ها تأکید دارند. با این حال، می‌توان چند نکته انتقادی و چالش‌های موجود در این پیشینه را شناسایی کرد. اولاً، بسیاری از پژوهش‌های ملی مانند پژوهش‌های فیضی و پوشدوزباشی (۱۳۸۷)، حسینی و غفاری (۱۳۹۹) و رضایی‌مطالع و همکاران (۱۳۹۹)، بر شناسایی موانع و محدودیت‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط تمرکز داشته‌اند، اما تحلیل جامعی از تأثیر مستقیم سیاست‌ها و خطمشی‌های تدوین‌شده بر عملکرد و رشد این بنگاه‌ها ارائه نکرده‌اند. به بیان دیگر، بسیاری از این مطالعات توصیفی یا تحلیلی بوده و فاقد ارزیابی دقیق اثربخشی سیاست‌ها هستند. ثانیاً، علی‌رغم اینکه پژوهش‌های اخیر مانند پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۷) و هداوند و همکاران (۱۴۰۱) تلاش کرده‌اند مدل‌های خطمشی‌گذاری و توسعه کسب‌وکار ارائه دهند، غالباً محدود به نمونه‌های خاص یا مناطق مشخص بوده‌اند. این محدودیت نمونه‌گیری و تمرکز بر مناطق جغرافیایی محدود، تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد و نمی‌تواند به طور کامل نمایانگر وضعیت کل کشور باشد. ثالثاً، پژوهش‌های بین‌المللی مانند پژوهش‌های گارسیا و مارتینز (۲۰۲۴)، چن و لی (۲۰۲۳) و کووچ و رادولسکو (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که سیاست‌های مؤثر باید رویکردی جامع، چندعاملی و مبتنی بر اکوسیستم داشته باشند. با این حال، در مطالعات ملی کمتر به ابعاد نوآوری، توسعه پایدار، شفافیت و حاکمیت پرداخته شده است، در حالی که شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد این مؤلفه‌ها نقش حیاتی در موفقیت سیاست‌ها دارند. در نهایت،

برخی پژوهش‌ها مانند اوزکان و دمیرل (۲۰۲۳) و لی و همکاران (۲۰۲۴) بر اهمیت هماهنگی نهادی، حاکمیت خوب و ایجاد اکوسیستم حمایتی تأکید دارند، اما در مطالعات ملی کمتر به رویکردهای سیستماتیک و داده‌محور پرداخته شده است. این خلا نشان می‌دهد که پژوهش حاضر با هدف تحلیل پیوند میان خط‌مشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند شکاف موجود را پر کرده و به ارائه مدل سیاست‌گذاری کاربردی و قابل اجرا کمک کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد، زیرا تلاش دارد نتایج عملی و قابل اجرا برای بهبود محیط کسب‌وکار ارائه دهد. جهت‌گیری پژوهش بر اساس رویکرد استقرایی است، به این معنا که یافته‌ها و داده‌های میدانی به تدریج به نظریه و مدل پیشنهادی منجر خواهند شد. در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی بهره گرفته شده است تا بتوان به صورت عمیق و جامع ابعاد مختلف خط‌مشی‌گذاری و محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را شناسایی و تحلیل نمود. گردآوری داده‌ها به صورت میدانی انجام می‌شود و پژوهشگر با حضور در محیط‌های واقعی کسب‌وکار و نهادهای سیاست‌گذار، اطلاعات دست اول و غنی را از منابع مختلف کسب خواهد کرد. برای گردآوری اطلاعات در بخش کیفی پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای (ادبیات موضوع) و میدانی (مصاحبه عمیق نیم ساختار یافته با خبرگان حوزه تخصصی بهبود محیط کسب و کار) استفاده شده است.

راهبرد اصلی پژوهش، تحلیل مضمون است که امکان استخراج الگوها، مفاهیم و مؤلفه‌های کلیدی مرتبط با خط‌مشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکار را فراهم می‌سازد. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه با خبرگان و ذی‌نفعان حوزه کسب‌وکار و سیاست‌گذاری خواهد بود. این روش آمیخته‌ای اکتشافی و نظری را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که داده‌ها نه تنها به شناسایی ابعاد کلیدی خط‌مشی‌ها کمک می‌کنند، بلکه زمینه لازم برای تدوین مدل جامع و کاربردی خط‌مشی‌گذاری برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را نیز فراهم می‌سازند.

جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان و متخصصان حوزه محیط کسب‌وکار کشور در بخش‌های حاکمیت و بخش خصوصی است که دارای تجربه اجرایی در سطوح کلان تصمیم‌گیری بوده و به اصطلاح «خبرگان آگاه» نامیده می‌شوند. این افراد با دارا بودن سابقه مدیریت و تجربه عملی در زمینه سیاست‌گذاری و توسعه کسب‌وکارهای

کوچک و متوسط، منبع ارزشمندی برای گردآوری داده‌های دقیق و معتبر پژوهش به شمار می‌روند. برای تعیین نمونه‌های پژوهش در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند (ملاک محور) استفاده شد و تعداد نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (۱۰ تا ۲۵ نفر) ادامه یافت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این بخش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با خبرگان بود که با انتخاب یا دعوت مستقیم از افراد واجد شرایط انجام شد. شرایط واجدین برای حضور در نمونه پژوهش به شرح زیر تعریف شد؛

- داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته‌های مدیریت (همه گرایش‌ها)، اقتصاد (همه گرایش‌ها)، مهندسی صنایع (همه گرایش‌ها)، حقوق، و یا تجربه مستقیم به عنوان صاحب کسب‌وکار یا متخصص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
- برخورداری از حداقل ۵ سال سابقه مدیریت و ۱۵ سال سابقه کاری مرتبط.
- فعالیت در حوزه کسب‌وکار بخش خصوصی (اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، تعاون و انصاف) یا در حوزه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری در سطوح ملی و استانی. جمعیت‌شناسی نمونه‌های پژوهش در جدول زیر ارائه شده است؛

جدول ۱. جمعیت‌شناسی نمونه‌های پژوهش

تعداد	شاخص/ها	حوزه کاری	مصاحبه‌شوندگان
۴	مدرس رشته‌های مدیریت دولتی و بازرگانی	دانشگاه‌های شهر تهران	اساتید دانشگاه
۵	تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان محیط کسب‌وکار	قوای سه‌گانه	مدیران عالی / ارشد
۴	تصمیم‌سازان محیط کسب‌وکار	کشوری	اتاق‌های سه‌گانه بخش خصوصی
۳	تصمیم‌سازان محیط کسب‌وکار	وزارت امور اقتصادی و دارایی	اعضای هیأت مقررات زدایی

این جامعه آماری با ترکیب نمایندگان بخش دانشگاهی، دولتی و خصوصی، امکان دریافت دیدگاه‌های جامع و مانع در مورد فرایندهای خط‌مشی‌گذاری و توسعه محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را فراهم می‌آورد و پایه‌ای قوی برای تحلیل مضمون و طراحی مدل نهایی پژوهش ایجاد می‌کند.

برای اطمینان از روایی داده‌ها در بخش کیفی پژوهش، از روش‌های متعددی استفاده شد. ابتدا، ابزار جمع‌آوری داده‌ها (مصاحبه نیمه‌ساختارمند) با بهره‌گیری از نظر خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری و محیط کسب‌وکار بازبینی شد تا روایی صوری و محتوایی آن تأیید شود. همچنین، پیش‌تست مصاحبه با چند نمونه از خبرگان انجام شد تا شفافیت سوالات و قابلیت استخراج اطلاعات معتبر بررسی گردد. برای افزایش روایی مفهومی، تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون انجام شد و موضوعات و کدهای استخراج‌شده توسط چند تحلیلگر مستقل بازبینی و تطبیق داده شد تا اطمینان حاصل شود که داده‌ها بازتاب‌دهنده واقعی دیدگاه خبرگان هستند.

در زمینه پایایی داده‌ها، از تکنیک بازبینی همکار استفاده شد؛ به این صورت که بخشی از داده‌ها توسط دو تحلیلگر مستقل کدگذاری شد و میزان توافق کدگذاری‌ها بررسی گردید تا ثبات تحلیل‌ها تأیید شود. همچنین، برای افزایش اعتبار نتایج، از اعتبار تراکمی بهره گرفته شد؛ داده‌ها از منابع مختلف شامل مصاحبه با خبرگان دانشگاهی، مدیران دولتی و بخش خصوصی جمع‌آوری و مقایسه شد. این اقدام موجب شد تا یافته‌ها نه تنها با روایی و دقت بالا تحلیل شوند، بلکه قابلیت اعتماد و تعمیم منطقی نتایج به مدل پیشنهادی پژوهش نیز افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران، با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی شد. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و تبیین الگوها و مضامین موجود در داده‌ها است و علاوه بر سازماندهی داده‌ها، امکان تفسیر جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را فراهم می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). برای استخراج مضامین، داده‌ها در یک روند چرخه‌ای و انعطاف‌پذیر روان‌سازی، پالایش و کدگذاری شدند و در نهایت، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر طبق روش کدگذاری اترید-استرلینگ (۲۰۰۱) احصا گردید.

○ مضامین پایه؛ شامل کدها و نکات کلیدی متن است و خردترین مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها را در بر می‌گیرد.

○ مضامین سازمان‌دهنده؛ حاصل ترکیب و تلخیص مضامین پایه و بیان‌کننده روابط میان آن‌ها هستند.

○ مضامین فراگیر؛ نمایانگر مضامین کلان و غالب بر متن پژوهش به‌عنوان تصویر کلی مسئله می‌باشند.

در عمل، محقق ابتدا مصاحبه‌ها را چند بار مرور و یادداشت‌برداری کرد، سپس مضامین پایه را شناسایی نمود. در مرحله بعد، کدهای مشابه با هم ادغام شده و مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفتند و در نهایت، با بررسی مجدد، مضامین فراگیر احصا و شبکه مضامین ترسیم شد. در ابتدا شناسه‌های اولیه مصاحبه‌ها تدوین گردید. به عبارت دیگر، پژوهش‌گر پس از مطالعه اولیه متن مصاحبه‌ها، اقدام به شناسه‌گذاری داده‌های متنی حاصل از جملات کلیدی مصاحبه‌ها کرده است و آنها را در قالب کلمات و عبارات، سازماندهی نموده است. در گام اول تمامی شناسه‌ها، چه تکراری و چه غیرتکراری استخراج شده و در گام دوم

ردیف	کد	توزیع فراوانی کدها																
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	تکرار	
۴	وجود سازوکار رسمی هماهنگی بین‌نهادی (دبیرخانه، شورا)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۲
۵	وجود برنامه ملی ادغام و حذف موازی‌کاری در حوزه اس‌ام‌ای (فهرست رسمی ادغام/حذف)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۴
۶	وجود پنجره واحد ملی اس‌ام‌ای (خدمات کسب‌وکار و صادرات)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۰
۷	زمان تشریفات صادرات برای اس‌ام‌ای‌ها (از اظهار تا خروج؛ روز)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۹
۸	زمان واکنش سیاستی دولت برای حمایت از اس‌ام‌ای هادر بحران (روز تا اجرا)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۵
۹	دیجیتالی شدن خدمات اداری اس‌ام‌ای (درصد خدمات قابل انجام برخط)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۹
۱۰	مراجعه اداری موردنیاز برای دریافت خدمات اس‌ام‌ای (میانگین در سال)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۵
۱۱	زمان دریافت ابزارهای تأمین مالی و حمایت نوآوری (از درخواست تا پرداخت؛ روز)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶
۱۲	نرخ پذیرش درخواست‌های تأمین مالی اس‌ام‌ای‌ها و حمایت نوآوری (درصد درخواست‌ها)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۵

پس از شناسایی تم‌ها، در مرحله بعد جستجوی تم‌های انجام شد. این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های بالقوه و مرتب کردن همه داده‌های کدگذاری شده در قالب تم‌های مشخص شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده، در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. در این مرحله براساس مضامین پایه‌ای منبعث از متن، نسبت به ایجاد مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر اقدام شده است.

جدول ۴. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین		
فراگیر	سازمان دهنده	پایه
محیط سیاسی - قانونی پاسخگو	نهادسازی	وجود نهاد متولی اس‌ام‌ای‌ها در کشور (مرجع واحد ملی با مأموریت مصوب) وجود سند ملی استراتژیک توسعه اس‌ام‌ای (به‌روزرسانی منظم) وجود نقشه ملی تقسیم‌کار شفاف بین نهادهای فعال در حوزه اس‌ام‌ای (ابلاغ نقش‌ها و مسئولیت‌ها) وجود سازوکار رسمی هماهنگی بین‌نهادی (دبیرخانه، شورا) وجود برنامه ملی ادغام و حذف موازی‌کاری در حوزه اس‌ام‌ای (فهرست رسمی ادغام/حذف)
	چابکی اداری	وجود پنجره واحد ملی اس‌ام‌ای (خدمات کسب‌وکار و صادرات) زمان تشریفات صادرات برای اس‌ام‌ای‌ها (از اظهار تا خروج؛ روز) زمان واکنش سیاستی دولت برای حمایت از اس‌ام‌ای هادر بحران (روز تا اجرا)

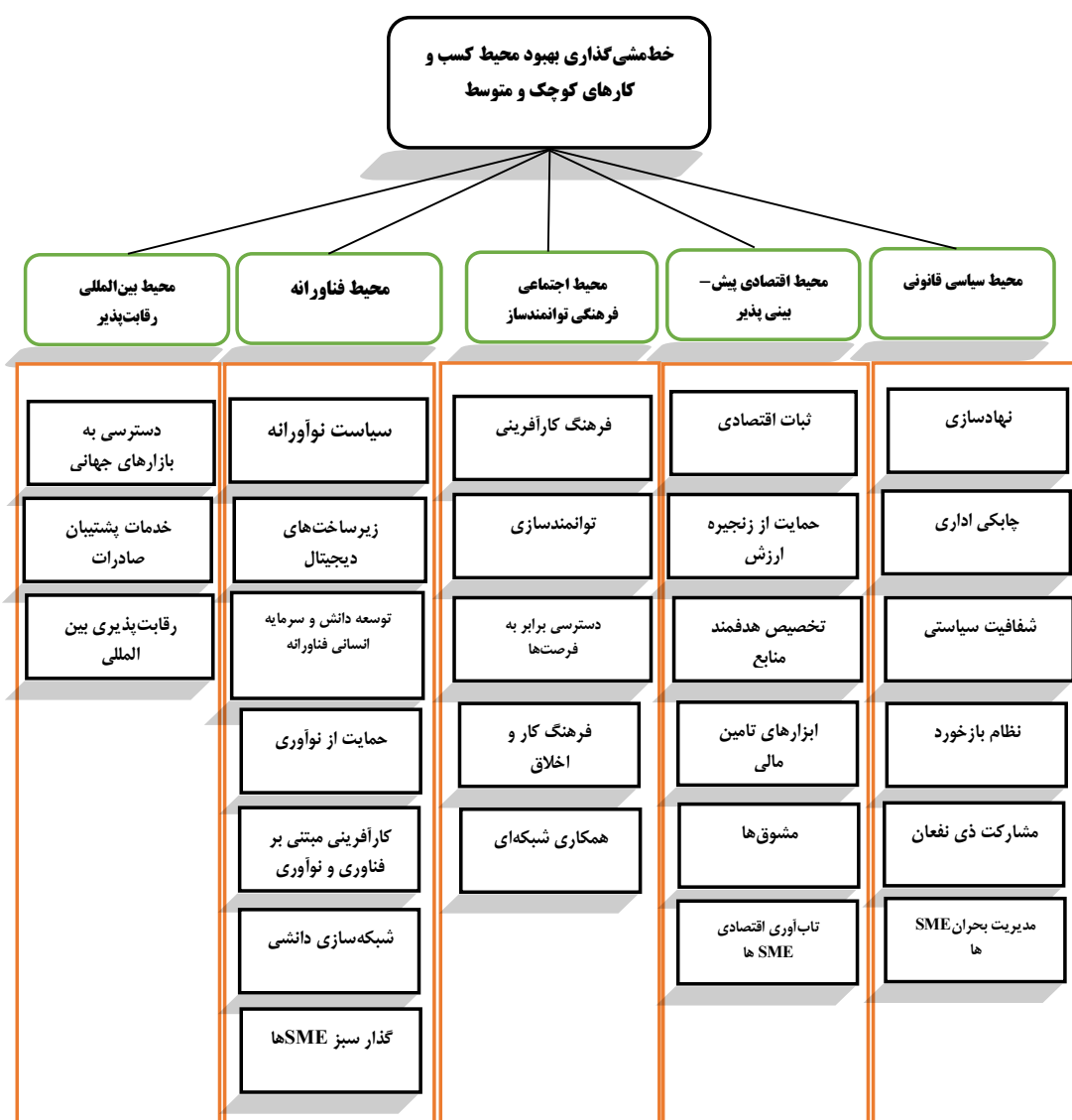
مضامین		
پایه	سازمان دهنده	فراگیر
دیجیتالی شدن خدمات اداری اس‌ام‌ای (درصد خدمات قابل انجام برخط) مراجعه اداری مورد نیاز برای دریافت خدمات اس‌ام‌ای (میانگین در سال) زمان دریافت ابزارهای تأمین مالی و حمایت نوآوری (از درخواست تا پرداخت؛ روز) نرخ پذیرش درخواست‌های تأمین مالی‌اس‌ام‌ای ها و حمایت نوآوری (درصد درخواست‌ها) زمان صدور مجوزهای کلیدی کسب و کار اس‌ام‌ای (روز)		
الزام قانونی به شفاف‌سازی (قانون/بخشنامه الزام‌آور) انتشار عمومی قوانین و مقررات اس‌ام‌ای (دسترسی برخط و رایگان) انتشار تقویم قانون گذاری/مقررات گذاری اس‌ام‌ای (فهرست لوایح/آیین‌نامه‌ها + تاریخ‌های برنامه‌ریزی شده) سامانه‌های اطلاع‌رسانی اس‌ام‌ای (به‌روزرسانی منظم طبق زمان‌بندی رسمی) دسترسی داده‌باز سیاست‌های اس‌ام‌ای (پرتال داده‌باز + API عمومی) گزارش رسمی عملکرد اس‌ام‌ای توسط نهاد متولی (سالانه/فصلی در پرتال ملی) ثبت و اعلان پیش‌نگر تغییرات قوانین و مقررات اس‌ام‌ای (آرشیو نسخه‌ها و تاریخ اجرا) شفافیت تخصیص منابع حمایتی به اس‌ام‌ای (انتشار عمومی جزئیات تخصیص)	شفافیت سیاستی	
وجود الزام قانونی ارزیابی سیاست‌های اس‌ام‌ای (قانون/آیین‌نامه الزام‌آور) سیاست‌های دارای پیوست ارزیابی (پوشش ارزیابی/ درصد) ارزیابی اثرگذاری مقررات پیش از تصویب (RIA) (درصد مقررات جدید با RIA) نرخ سیاست‌های اصلاح شده بر مبنای ارزیابی (اقدام اصلاحی ثبت شده) رضایت فعالان اس‌ام‌ای از اثر بازخوردها (پیمایش دوره‌ای) وجود نظام گزارش دهی عملکرد سیاست‌های اس‌ام‌ای (تقویم انتشار اعلام شده) وجود نظام یکپارچه پاسخ‌گویی در حوزه اس‌ام‌ای (شکایات و پیگیری پس از اجرا) وجود نظام بازخورد ذی‌نفعان (کانال رسمی دریافت و پاسخ) انتشار عمومی نتایج ارزیابی (گزارش/داده‌باز) هماهنگی نهادی سیاست‌گذاری اس‌ام‌ای (پیمایش بنگاه‌ها) اعتماد فعالان به شفافیت و ثبات سیاست (پیمایش دوره‌ای/۱۰۰-۰) کیفیت خدمات توانمندسازی (رضایت بنگاه/۱۰۰-۰) بازخورد دولت به مشارکت ذی‌نفعان (گزارش رسمی درباره نحوه اعمال یا رد نظرات)	نظام بازخور	
چارچوب قانونی الزام‌آور برای مشارکت ذی‌نفعان (مصوبه لازم‌الاجرا) جلسات سیاست‌گذاری اس‌ام‌ای با مشارکت ثبت شده تشکل‌ها (درصد جلسات) انتشار پیش‌نویس سیاست‌های اس‌ام‌ای پیش از تصویب (درصد سیاست‌ها) پذیرش رسمی پیشنهادهای تشکل‌ها در سیاست‌های اس‌ام‌ای (درصد سیاست‌ها) سامانه ملی واحد دریافت و پیگیری پیشنهادهای سیاستی تشکل‌ها (مرحله پیش از تصویب) مشارکت گروه‌های کمتر برخوردار در فرایندهای مشورتی (درصد مشارکت) اثربخشی مشارکت ذی‌نفعان (پیمایش دوره‌ای)	مشارکت ذی‌نفعان	
وجود سازوکار ملی ثبت و پایش بحران‌های اس‌ام‌ای (پایگاه داده ملی برخط) سیاست‌های اصلاح شده بر پایه تجربه/درس‌آموخته‌های بحران (تعداد در سال) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای‌ها از حمایت‌های دولتی در بحران (درصد بنگاه‌ها)	مدیریت بحران اس‌ام‌ای‌ها	
هزینه مقرراتی سالانه کسب و کار (مالیات، بیمه، گمرک؛ درصد از فروش) تورم سالانه (شاخص رسمی) نوسان سالانه نرخ ارز مؤثر برای اس‌ام‌ای‌ها (درصد) اعتماد کسب و کارهای کوچک و متوسط (۱۰۰-۰) نرخ تغییرات قوانین و مقررات اس‌ام‌ای (تعداد در سال)	ثبات اقتصادی	محیط اقتصادی
برخورداری از قراردادهای پایدار با خریداران بزرگ توسط اس‌ام‌ای‌ها (درصد بنگاه‌ها) مشارکت اس‌ام‌ای‌ها در زنجیره تأمین بنگاه‌های بزرگ (ملی یا صادراتی؛ درصد بنگاه‌ها) سهام‌اس‌ام‌ای‌ها از خریدهای دولتی و عمومی (درصد ارزش قراردادهای) پرداخت به اس‌ام‌ای‌ها از سوی خریداران (میانگین زمانی) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای‌ها از خدمات توسعه بازار و زنجیره تأمین (درصد بنگاه‌ها)	حمایت از زنجیره ارزش	پیش‌بینی‌پذیر

مضامین		
پایه	سازمان دهنده	فراگیر
<p>تطبیق موفقیت‌آمیز ای‌ها با فرصت‌های زنجیره تأمین (سامانه ملی)</p> <p>ایجاد و توسعه زنجیره‌های ارزش ای‌ام‌ای (پیوند با خریداران بزرگ/خوشه‌ها؛ سالانه)</p> <p>ایجاد خوشه‌های تخصصی ای‌ام‌ای محور (فعال) (سالانه؛ به تفکیک استان)</p> <p>مشارکت رسمی‌ای‌ام‌ای‌ها با بنگاه‌های پیش‌تاز (قراردادهای مشارکت رسمی؛ درصد قراردادها)</p> <p>پشتیبانی از تولیدهای بی‌کارخانه (شبکه‌سازی تولید/برون‌سپاری؛ درصد بنگاه‌ها)</p> <p>ایجاد بازارچه‌های حمایتی داخلی (منطقه‌ای/محلی/هفتگی؛ سالانه)</p> <p>ایجاد پروژه‌های توسعه صنایع پیوندی ای‌ام‌ای محور (بالادست/پایین‌دست/تبدیلی/مکمل؛ سالانه)</p>		
<p>سهام‌ای‌ام‌ای‌ها از منابع حمایتی و یارانه ای دولتی (تفکیک مبلغ و بنگاه)</p> <p>منابع حمایتی تخصیص یافته از طریق فراخوان رقابتی با معیارهای شفاف (درصد مبلغ)</p> <p>هدفمندی منابع حمایتی ای‌ام‌ای‌ها (ارزیابی بر اساس معیارهای روشن)</p> <p>سهام‌ای‌ام‌ای‌ها از تسهیلات توسعه‌ای کشور (درصد از کل تسهیلات توسعه‌ای)</p> <p>وجود نظام رتبه‌بندی اعتباری ای‌ام‌ای‌ها (فعال)</p> <p>منابع اختصاص یافته به گروه‌های اولویت دار (نوپا/فناور/کمتر برخوردار؛ درصد مبلغ)</p>	تخصیص هدفمند منابع	
<p>وجود ابزارهای تأمین مالی غیربانکی (ضمانت‌نامه، لیزینگ، سرمایه‌جسورانه، سرمایه‌گذاری جمعی؛ درصد بنگاه‌ها)</p> <p>پوشش ضمانت اعتباری برای ای‌ام‌ای‌ها (درصد تسهیلات تضمین شده)</p> <p>بار وثیقه در تسهیلات ای‌ام‌ای‌ها (نسبت وثیقه به مبلغ تسهیلات)</p> <p>نرخ سود تسهیلات به‌اس‌ام‌ای‌ها (میانگین سالانه)</p> <p>فرصت‌های سرمایه‌گذاری ارائه شده به‌اس‌ام‌ای‌ها (سید پروژه‌های آماده؛ سالانه)</p> <p>مشارکت مالی اجتماعی ای‌ام‌ای محور (صندوق‌های محلی/تعاونی‌ها/سرمایه‌گذاری جمعی؛ سهم از تأمین مالی ای‌ام‌ای یا درصد بنگاه‌ها)</p> <p>بسیج اندوخته‌های مالی خانوارها برای ای‌ام‌ای‌ها (ارزش جذب سالانه)</p>	ابزارهای تأمین مالی	
<p>ارزیابی اثربخشی مشوق‌ها (پیمایش/داده عملکرد)</p> <p>تنوع مشوق‌های ویژه ای‌ام‌ای (طبقه‌بندی/منتشر شده)</p> <p>سهام‌ای‌ام‌ای‌ها از کل بودجه مشوق‌ها (درصد مبلغ)</p> <p>مشوق‌های دارای دستورالعمل روشن و منتشر شده (درصد مشوق‌ها)</p> <p>SME‌های استفاده کننده از خدمات مشاوره برای بهره برداری از مشوق‌ها (درصد بنگاه‌ها)</p> <p>مشوق‌های اعطایی از طریق فراخوان رقابتی با معیارهای شفاف (درصد مبلغ)</p> <p>اجرای مشوق‌های هدفمند مالیاتی/گمرکی برای ای‌ام‌ای (اعلام عمومی)</p> <p>پوشش بهره مندی ای‌ام‌ای از مشوق‌ها (درصد بنگاه‌ها)</p> <p>مشوق‌های ارزیابی شده و اصلاح شده بر اساس داده عملکرد (درصد مشوق‌ها)</p>	مشوق‌ها	
<p>سیاست‌های کلان اجرا شده برای حمایت سریع از ای‌ام‌ای‌ها در بحران (مثلاً در دوران کرونا و جنگ)</p> <p>بقای ۱۲ ماهه ای‌ام‌ای‌های متأثر از بحران (درصد بنگاه‌ها)</p> <p>ای‌ام‌ای‌های بهره‌مند از حمایت بازگشت (درصد بنگاه‌ها)</p> <p>زمان بازاریابی فروش به سطح پیش‌بحران ($\leq 90\%$) (ماه)</p> <p>استفاده ای‌ام‌ای‌ها از ابزارهای پوشش ریسک (بیمه/ضمانت/پوشش نوسان ارز؛ درصد بنگاه‌ها)</p>	تاب‌آوری اقتصادی ای‌ام‌ای‌ها	
<p>پوشش آموزش کارآفرینی در نظام رسمی (درصد دانش‌آموزان/دانشجویان)</p> <p>ای‌ام‌ای‌های دارای برنامه آموزش مهارت‌های کارآفرینی (درصد بنگاه‌ها)</p> <p>کمپین‌های رسانه‌ای ترویج کارآفرینی (سالانه)</p> <p>نگرش مثبت عمومی نسبت به کارآفرینی و ای‌ام‌ای‌ها (۱۰۰-۰)</p> <p>پذیرش اجتماعی شکست در کسب‌وکار (۱۰۰-۰)</p> <p>پوشش رسانه‌ای مثبت از ای‌ام‌ای‌ها و کارآفرینان (سهم از کل پوشش؛ درصد)</p> <p>معرفی الگوهای موفق ای‌ام‌ای در رسانه‌ها (سالانه)</p> <p>گرایش به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (درصد پاسخ‌دهندگان)</p> <p>رویدادهای کارآفرینی ای‌ام‌ای محور (سالانه)</p>	فرهنگ کارآفرینی	محیط اجتماعی-فرهنگی توانمندساز

مضامین		
پایه	سازمان دهنده	فراگیر
<p>توانمندسازی</p> <p>تنوع خدمات توانمندسازی (آموزش، مشاوره، نوآوری، شبکه‌سازی) کیفیت خدمات توانمندسازی (نمره رضایت بنگاه از آموزش/مشاوره/مربی‌گری) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای هاز آموزش‌های مهارتی و مدیریتی (درصد بنگاه‌ها) دسترس‌یاس‌ام‌ای هابه مشاوره تخصصی (ملی/استانی؛ درصد بنگاه‌ها) دسترسی منظم به مربی‌گری و کوچینگ (درصد بنگاه‌ها) مشارکت‌اس‌ام‌ای هادر برنامه‌های توانمندسازی (درصد بنگاه‌ها) مشارکت‌اس‌ام‌ای هادر دوره‌های دیجیتال‌سازی و نوآوری (درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای های نوپا از آموزش‌های اولیه کارآفرینی (درصد بنگاه‌ها/افراد) پوشش جغرافیایی مراکز توانمندسازی‌اس‌ام‌ای (درصد استان‌های دارای مرکز فعال) تکمیل برنامه‌های توانمندسازی توسط‌اس‌ام‌ای‌ها (درصد بنگاه‌های تکمیل‌کننده) پوشش طرح‌های کارآموزی/استادشاگردی‌اس‌ام‌ای محور (درصد افراد/بنگاه‌ها)</p>		
<p>دسترسی برابر به فرصت‌ها</p> <p>وجود سامانه هدفمندسازی فرصت‌ها (فعال) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای هاز حمایت‌ها در مناطق کمتر برخوردار (درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای های متعلق به زنان (درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای های متعلق به جوانان (درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی گروه‌های اجتماعی کمتر برخوردار از حمایت‌های‌اس‌ام‌ای (درصد بنگاه‌ها) حضور‌اس‌ام‌ای های مناطق کمتر برخوردار در قراردادهای دولتی (درصد ارزش قراردادهای پراکندگی جغرافیایی حمایت‌ها (انحراف معیار استانی)</p>		
<p>فرهنگ کار و اخلاق</p> <p>برنامه‌های ملی ترویج فرهنگ کار و اخلاق (کمپین‌های رسانه‌ای/آموزش عمومی؛ سالانه) پوشش بنگاه‌های دارای منشور اخلاق حرفه‌ای (درصد بنگاه‌ها) اعتماد اجتماعی به‌اس‌ام‌ای‌ها (۱۰۰-۰)</p>		
<p>همکاری شبکه‌ای</p> <p>عضویت‌اس‌ام‌ای هادر اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی (درصد بنگاه‌ها) مشارکت‌اس‌ام‌ای هادر پروژه‌های جمعی اتحادیه/خوشه (درصد بنگاه‌ها) اعتماد متقابل‌اس‌ام‌ای هاو دولت (۱۰۰-۰) ایجاد ابتکارهای ملی تقویت همکاری‌اس‌ام‌ای‌ها (سالانه) ایجاد کنسرسیوم‌های همکاری‌اس‌ام‌ای (خرید/بازاریابی/برند مشترک؛ سالانه) استفاده از پلتفرم‌های شبکه‌سازی بنگاه‌به‌بنگاه محلی (درصد بنگاه‌های عضو فعال) توافق‌نامه‌های همکاری بین تشکل‌ها (سالانه)</p>		
<p>سیاست نوآورانه</p> <p>وجود نظام پیش‌بینی فناوری‌های نو برای‌اس‌ام‌ای هادر سیاست‌گذاری (فعال) وجود چارچوب سیاست‌گذاری برای فناوری‌های نو در‌اس‌ام‌ای‌ها (ابلاغ‌شده) فاصله زمانی سیاست‌گذاری نسبت به ظهور فناوری‌های نو (ماه) واحد واکنش سریع سیاستی برای‌اس‌ام‌ای‌ها (فعال) سامانه پایش و بازخورد سیاست‌های فناوری‌اس‌ام‌ای (گزارش دوره‌ای) نقشه‌راه ملی استانداردهای تبادل‌پذیری داده برای‌اس‌ام‌ای‌ها (مصوب و منتشرشده)</p>		
<p>محیط فناوری‌ها نوآور</p> <p>دسترسی پایدار‌اس‌ام‌ای هابه اینترنت پهن‌بند (درصد بنگاه‌ها) سهم هزینه‌های زیرساخت دیجیتال در هزینه‌های عملیاتی‌اس‌ام‌ای‌ها (درصد) بهره‌مندی‌اس‌ام‌ای هاز خدمات ابری (درصد بنگاه‌ها) فعالیت‌اس‌ام‌ای هادر پلتفرم‌های تجارت الکترونیک (درصد بنگاه‌ها) اتصال‌اس‌ام‌ای هابه زنجیره تأمین دیجیتال (درصد بنگاه‌ها) نفوذ پرداخت‌های دیجیتال در تراکنش‌های‌اس‌ام‌ای (درصد تراکنش‌های غیرنقدی/آنلاین) پذیرش حداقل استانداردهای امنیت سایبری در‌اس‌ام‌ای‌ها (درصد بنگاه‌ها)</p>		
<p>توسعه دانش و سرمایه انسانی فناوری‌ها</p> <p>اس‌ام‌ای‌های دارای کارکنان آموزش‌دیده در فناوری‌های نو (درصد بنگاه‌ها) سهم هزینه آموزش فناوری‌ها در هزینه‌های عملیاتی‌اس‌ام‌ای‌ها (درصد) دانشگاه‌ها و مدارس دارای برنامه درسی فناوری‌های نو برای کارآفرینی (درصد موسسات) سواد فناوری‌ها پایه در جمعیت فعال (درصد افراد) برنامه‌های ملی توانمندسازی فناوری‌ها (تعداد سالانه)</p>		

مضامین		
فراگیر	سازمان دهنده	پایه
		پوشش مهارت‌های داده‌محور در اس‌ام‌ای ها (درصد بنگاه‌ها) استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی/کلان داده در اس‌ام‌ای ها (درصد بنگاه‌ها)
حمایت از نوآوری		دسترسی‌های هابه منابع مالی نوآوری (گرننت، یارانه، صندوق؛ درصد بنگاه‌ها) بازگشت سرمایه نوآوری در اس‌ام‌ای ها (درصد) اس‌ام‌ای‌های دارای ثبت نوآوری (اختراع/مدل صنعتی/مالکیت فکری؛ درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی‌های اس‌ام‌ای ها از خدمات مراکز نوآوری/پارک‌های فناوری/مراکز رشد (درصد بنگاه‌ها) سهم هزینه تحقیق و توسعه در اس‌ام‌ای ها از هزینه‌های عملیاتی (درصد)
کارآفرینی مبتنی بر فناوری و نوآوری		اس‌ام‌ای‌های نوپا با مدل کسب‌وکار فناورانه (درصد بنگاه‌ها) برنامه‌های ملی حمایت از کارآفرینی فناورانه (سالانه) اس‌ام‌ای‌های تأسیس شده از طریق مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها (درصد بنگاه‌ها) نرخ تجاری‌سازی نتایج پژوهش در اس‌ام‌ای ها (از نمونه تا فروش؛ درصد یا زمان متوسط)
شبکه‌سازی دانشی		وجود پلتفرم ملی تبادل دانش بین اس‌ام‌ای ها و مراکز آموزشی/پژوهشی (فعال) اس‌ام‌ای‌های عضو فعال پلتفرم ملی تبادل دانش (درصد بنگاه‌ها) پروژه‌های مشترک اس‌ام‌ای با مراکز آموزشی/پژوهشی (از مسیر پلتفرم؛ سالانه) توافق‌نامه‌های انتقال فناوری/لیسانس با اس‌ام‌ای ها (سالانه)
گذار سبز اس‌ام‌ای ها		اس‌ام‌ای‌های دارای گواهی مدیریت محیط‌زیست/انرژی (ISO 14001/50001؛ درصد بنگاه‌ها) دسترسی‌های هابه تأمین مالی سبز (درصد بنگاه‌ها) (وام/اوراق/گرننت سبز) شدت انرژی در اس‌ام‌ای ها (مصرف انرژی به ازای ارزش افزوده؛ سالانه) سهم خرید سبز دولتی از اس‌ام‌ای ها (درصد ارزش قراردادهای سبز) کاهش پسماند/بازیافت مواد در اس‌ام‌ای ها (درصد بنگاه‌ها)
دسترسی به بازارهای جهانی		وجود بازارها و شبکه‌های دائمی فروش اس‌ام‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی (فعال/سالانه) مشارکت اس‌ام‌ای هادر زنجیره ارزش جهانی (درصد بنگاه‌ها) سهم صادرات اس‌ام‌ای ها از کل صادرات کشور (درصد ارزش) تسهیل تجارت برای اس‌ام‌ای ها (گمرک/استاندارد/حمل‌ونقل؛ ۱۰۰-۰) حضور اس‌ام‌ای هادر پلتفرم‌های بین‌المللی تجارت (درصد بنگاه‌ها) اس‌ام‌ای‌های دارای قرارداد رسمی صادراتی/ سرمایه‌گذاری مشترک (درصد بنگاه‌ها)
محیط بین‌المللی رقابت پذیر	خدمات پشتیبان صادرات	بهره‌مندی‌های اس‌ام‌ای ها از مشاوره تخصصی صادرات (درصد بنگاه‌ها) بهره‌مندی‌های اس‌ام‌ای ها از ضمانت‌نامه یا بیمه صادراتی (درصد بنگاه‌ها) پوشش استانی مراکز خدمات پشتیبان صادرات اس‌ام‌ای محور (درصد استان‌های دارای مرکز فعال) حضور اس‌ام‌ای هادر رویدادها و نمایشگاه‌های بین‌المللی (درصد بنگاه‌ها در سال) بهره‌مندی‌های اس‌ام‌ای ها از خدمات لجستیک صادراتی سازمان یافته (درصد بنگاه‌ها) امتیاز تسهیل صادرات برای اس‌ام‌ای ها (گمرک/مالیات/لجستیک؛ ۱۰۰-۰) بهره‌مندی‌های اس‌ام‌ای ها از مشوق‌های مالیاتی و گمرکی صادرات محور (درصد بنگاه‌ها) چارچوب رسمی جوایز صادراتی (ابلاغ شده)
رقابت پذیری بین‌المللی		شکاف قیمت صادرات اس‌ام‌ای ها با میانگین منطقه (درصد \pm) استفاده اس‌ام‌ای ها از ابزارهای مالی تجارت بین‌الملل LC/ضمانت‌نامه/فاکتورینگ/فورفیتینگ/تامین مالی زنجیره؛ درصد بنگاه‌ها) اس‌ام‌ای‌های دارای ثبت برند بین‌المللی (WIPO/EUIPO؛ درصد بنگاه‌ها) سهم هزینه تحقیق و توسعه از فروش صادراتی در اس‌ام‌ای های صادرات محور (درصد) اس‌ام‌ای‌های دارای گواهی‌نامه‌های بین‌المللی (استاندارد/ایمنی/کیفیت؛ درصد بنگاه‌ها) انطباق فنی محصولات اس‌ام‌ای با الزامات بازار هدف (بسته‌بندی/پرچسب/استاندارد؛ درصد اقلام) محصولات صادراتی جدید در سال اخیر (سهم از فروش صادراتی یا درصد اقلام)

شبکه مضامین روشی مناسب در تحلیل مضمون است که توسط آترید-استرلینگ (۲۰۰۱) توسعه یافته است. این شبکه، نقش‌هایی شبیه تارنما را به‌عنوان اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش داده‌ها را بر اساس الگوی نهایی و شکل زیر ارائه می‌دهد.



شکل ۱. شبکه مضامین مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط

در ادامه و در بخش کمی به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها پرداخته می‌شود. نتیجه آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای هر کدام از متغیرهای تحقیق در جدول آمده است. جدول ۵. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه
محیط سیاسی قانونی	۲۶۸	۰.۶۰	۰.۰۰۰	۰/۰۵	غیر نرمال
محیط اقتصادی پیش‌بینی پذیر	۲۸۷	۰.۵۸	۰.۲۰۰	۰/۰۵	نرمال
محیط اجتماعی فرهنگی توانمندساز	۲۹۰	۰.۶۶	۰.۲۰۰	۰/۰۵	نرمال
محیط فناوریانه	۲۶۴	۰.۶۰	۰.۰۱۱	۰/۰۵	غیر نرمال
محیط بین‌المللی رقابت پذیر	۲۸۹	۰.۵۵	۰.۲۰۰	۰/۰۵	نرمال

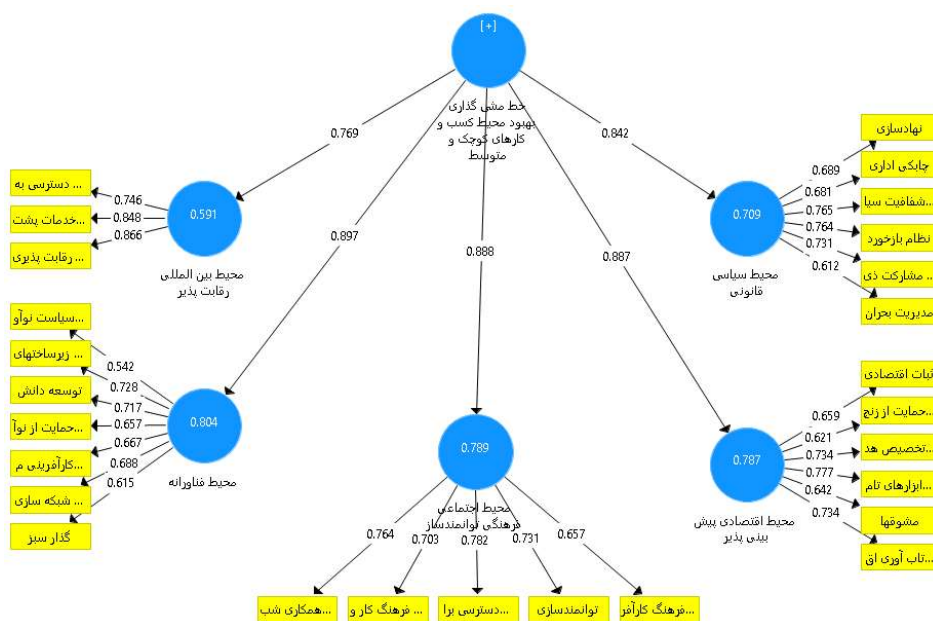
در صورتی که مقدار سطح معناداری بیش از مقدار خطا (آلفا) باشد، فرض صفر تأیید می‌شود؛ و اگر سطح معناداری کمتر از مقدار خطا باشد، فرض یک پذیرفته خواهد شد. بر

اساس جدول ارائه شده، سطح معناداری متغیرهای محیط اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر، محیط اجتماعی - فرهنگی توانمندساز و محیط بین‌المللی رقابت‌پذیر بیش از مقدار ۰/۰۵ بوده و بنابراین دارای توزیع نرمال هستند. در مقابل، سطح معناداری متغیرهای محیط سیاسی - قانونی و محیط فناوریانه کمتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که توزیع آن‌ها نرمال نیست. از این رو، برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ناپارامتریک و نرم‌افزار اسمارت پی‌اِس استفاده شد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری همیشه در بازه ۰ تا ۱ قرار دارد. اگر این مقدار کمتر از ۰.۵ باشد، داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود. در صورتی که شاخص بین ۰.۵ تا ۰.۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط تحلیل عاملی را انجام داد، اما اگر مقدار آن بالاتر از ۰.۷ باشد، همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب و کافی خواهد بود.

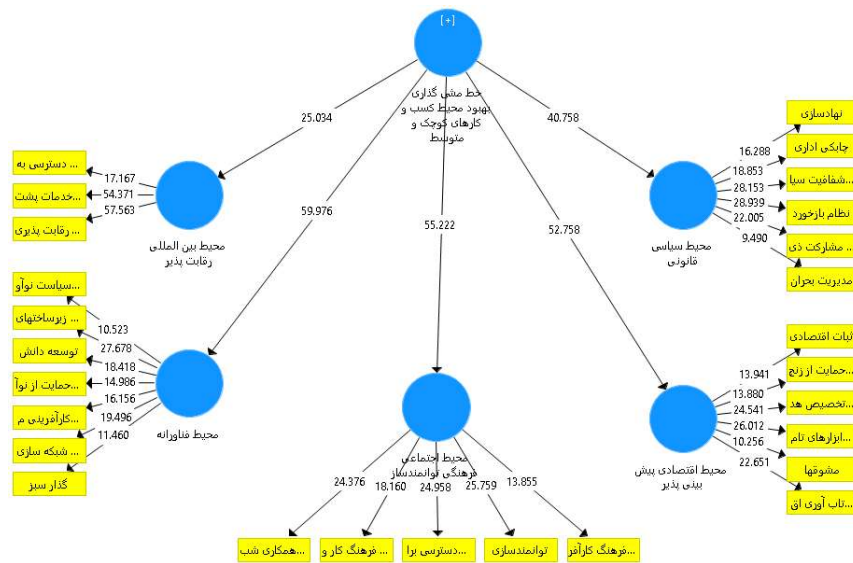
جدول ۶. خروجی شاخص کفایت نمونه‌گیری

شاخص	(KMO)	بارتلت	سطح معنی داری	درجه آزادی	نتیجه
مقدار	۰/۹۲۰	۱۸۵۲/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۹۰	تایید

با توجه به جدول فوق، اندازه کفایت نمونه (KMO) و آزمون معناداری بارتلت در تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس به ترتیب برابر با ۰.۹۲ و ۰.۰۰۰۰ به دست آمد که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی است. شکل‌های ۲ و ۳ مدل اندازه‌گیری مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری نشان می‌دهد.



شکل ۲. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب تخمین استاندارد مدل اندازه‌گیری تحقیق



شکل ۳. خروجی نرم افزار درباره ضرایب معناداری مدل اندازه‌گیری تحقیق

با توجه به شکل ۲ و ۳ بار عاملی همه شاخص‌ها بیشتر از ۰/۵ هست و ضرایب معناداری نیز از ۱/۹۶ بزرگتر است. بنابراین هیچ شاخصی از مدل حذف نشد و همه شاخص‌های شناسایی شده مورد تایید قرار گرفتند. همچنین همه شاخص‌های مربوط به مولفه‌های مدل با بار عاملی بالاتر از ۰.۵ و ضرایب معناداری قابل توجه (بیش از ۱.۹۶) تایید شده‌اند. این نشان می‌دهد که هر یک از شاخص‌ها سهم معناداری در ساختار عاملی متغیرهای مربوط دارند. بنابراین تمامی شاخص‌های مرتبط در مدل از نظر بار عاملی و ضرایب معناداری مناسب هستند. در جدول ۷ بار عاملی و ضریب معناداری متغیرهای مدل نشان داده شده است.

جدول ۷. بار عاملی و ضریب معناداری متغیرهای مدل

ابعاد	ردیف	مولفه‌ها	بارعاملی	ضریب معناداری	معنی‌داری	نتیجه
محیط سیاسی قانونی	۱	نهادسازی	۰.۶۸۹	۱۶.۲۸۸	۰.۵۰ <	تایید
	۲	چابکی اداری	۰.۶۸۱	۱۸.۸۵۳	۰.۵۰ <	تایید
	۳	شفافیت سیاسی	۰.۷۶۵	۲۸.۱۵۳	۰.۵۰ <	تایید
	۴	نظام بازخورد	۰.۷۶۴	۲۸.۹۳۹	۰.۵۰ <	تایید
	۵	مشارکت ذی‌نفعان	۰.۷۳۱	۲۲.۰۰۵	۰.۵۰ <	تایید
	۶	مدیریت بحران	۰.۶۱۲	۹.۴۹۰	۰.۵۰ <	تایید
محیط اقتصادی پیش‌بینی پذیر	۷	ثبات اقتصادی	۰.۶۵۹	۱۳.۹۴۱	۰.۵۰ <	تایید
	۸	حمایت از زنجیره ارزش	۰.۶۲۱	۱۳.۸۸۰	۰.۵۰ <	تایید
	۹	تخصیص هدفمند منابع	۰.۷۳۴	۲۴.۵۴۱	۰.۵۰ <	تایید
	۱۰	ابزارهای تامین مالی	۰.۷۷۷	۲۶.۰۱۷	۰.۵۰ <	تایید
	۱۱	مشوق‌ها	۰.۶۴۲	۱۰.۲۵۶	۰.۵۰ <	تایید

ابعاد	ردیف	مؤلفه‌ها	بارعاملی	ضریب معناداری	معنی‌داری	نتیجه
محیط اجتماعی فرهنگی توانمندساز	۱۲	تاب آوری اقتصادی SME ها	۰.۷۳۴	۲۲.۶۵۱	۰.۵.۰<	تایید
	۱۳	فرهنگ کارآفرینی	۰.۶۵۷	۱۳.۸۵۵	۰.۵.۰<	تایید
	۱۴	توانمندسازی	۰.۷۳۱	۲۵.۷۵۹	۰.۵.۰<	تایید
	۱۵	دسترسی برابر به فرصت‌ها	۰.۷۸۲	۲۴.۹۵۸	۰.۵.۰<	تایید
	۱۶	فرهنگ اخلاق و کار	۰.۷۰۳	۱۸.۱۶۰	۰.۵.۰<	تایید
	۱۷	همکاری شبکه‌ای	۰.۷۶۴	۲۴.۳۷۶	۰.۵.۰<	تایید
محیط فناوریانه	۱۸	سیاست نوآورانه	۰.۵۴۲	۱۰.۵۲۳	۰.۵.۰<	تایید
	۱۹	زیرساخت‌های دیجیتال	۰.۷۲۸	۲۷.۶۷۸	۰.۵.۰<	تایید
	۲۰	توسعه دانش و سرمایه انسانی	۰.۷۱۷	۱۸.۴۱۸	۰.۵.۰<	تایید
	۲۱	حمایت از نوآوری	۰.۶۵۷	۱۴.۴۹۶	۰.۵.۰<	تایید
	۲۲	کارآفرینی مبتنی بر فناوری	۰.۶۶۷	۱۶.۱۵۶	۰.۵.۰<	تایید
	۲۳	شبکه‌سازی دانشی	۰.۶۸۸	۱۹.۴۹۶	۰.۵.۰<	تایید
محیط بین‌المللی رقابت‌پذیر	۲۴	گذار سبز SME ها	۰.۶۱۵	۱۱.۴۶۰	۰.۵.۰<	تایید
	۲۵	دسترسی به بازارهای جهانی	۰.۷۴۶	۱۷.۱۶۷	۰.۵.۰<	تایید
	۲۶	خدمات پشتیبان صادرات	۰.۸۴۸	۵۴.۳۷۱	۰.۵.۰<	تایید
	۲۷	رقابت‌پذیری بین‌المللی	۰.۸۶۶	۵۷.۵۶۳	۰.۵.۰<	تایید

بحث و نتیجه‌گیری

این بخش به تحلیل و تبیین یافته‌های حاصل از مطالعه و ارائه چارچوب نهایی مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران اختصاص دارد. در این بخش، تلاش شده است تا نتایج استخراج شده از شبکه مضامین، با تمرکز بر ارتباط میان مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تحلیل شده و پیامدهای آن برای سیاست‌گذاری، طراحی برنامه‌ها و اتخاذ تصمیمات مدیریتی در سطح ملی و استانی مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی این بخش، نه تنها مرور یافته‌ها، بلکه تبیین نحوه اثرگذاری عوامل مختلف بر بهبود محیط کسب‌وکار کسب و کارهای کوچک و متوسط و ارائه توصیه‌های کاربردی برای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران است. از این منظر، هر مضمون فراگیر مدل نهایی، بر اساس مضامین سازمان‌دهنده مربوط به خود تحلیل می‌شود تا ساختار منطقی و فرآیندی مدل روشن گردد و مسیر عملیاتی پیاده‌سازی سیاست‌ها و اقدامات حمایتی مشخص شود.

محیط سیاسی - قانونی پاسخگو؛ یکی از مؤلفه‌های بنیادین در مدل خط‌مشی‌گذاری بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، محیط سیاسی و قانونی پاسخگو است. این مضمون فراگیر، به نحوه عملکرد نظام حکمرانی و چارچوب‌های سیاستی در قبال بنگاه‌های

کوچک و متوسط اشاره دارد و بیانگر میزان پاسخگویی، شفافیت، چابکی و مشارکت‌پذیری ساختار سیاست‌گذاری در این حوزه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق یک محیط سیاسی و قانونی پاسخگو مستلزم وجود پنج سازه کلیدی شامل نهادسازی، چابکی اداری، شفافیت سیاسی، نظام بازخورد و مشارکت ذی‌نفعان و مدیریت بحران بنگاه‌ها است.

۱. نهادسازی؛ نتایج تحلیل‌ها نشان داد که نخستین گام در پاسخگو شدن نظام سیاسی، استقرار نهادهای باثبات و مأموریت‌محور است. وجود یک نهاد متولی واحد برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح ملی، همراه با سند ملی استراتژیک توسعه و نقشه تقسیم‌کار بین‌نهادی شفاف، شرط لازم برای کاهش پراکندگی سیاست‌ها و رفع تداخل وظایف میان نهادهای متعدد است. همچنین، تشکیل سازوکار رسمی هماهنگی بین‌نهادی همچون دبیرخانه یا شورای عالی کسب و کارهای کوچک و متوسط و اجرای برنامه ملی حذف موازی‌کاری، از جمله اقداماتی است که به انسجام سیاست‌ها و افزایش پاسخگویی منجر می‌شود. این نهادسازی، بنیانی برای ایجاد شفافیت و هماهنگی در سایر ابعاد مدل خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود.

۲. چابکی اداری؛ چابکی اداری بیانگر توان نظام اجرایی در کاهش زمان و مراحل فرایندهای اداری، دیجیتالی‌سازی خدمات و واکنش سریع به نیازها و بحران‌ها است. وجود پنجره واحد ملی خدمات کسب و کارهای کوچک و متوسط، کاهش زمان صدور مجوزها و پرداخت تسهیلات و تسهیل فرایندهای صادراتی از مصادیق این چابکی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش سهم خدمات قابل انجام به صورت برخط و کاهش مراجعات حضوری، نه تنها هزینه‌های بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد بلکه شاخص اعتماد به دولت را نیز ارتقا می‌بخشد. در مجموع، چابکی اداری یکی از عناصر کلیدی در کاهش اصطکاک نهادی و افزایش رضایت فعالان اقتصادی است.

۳. شفافیت سیاسی؛ تحلیل داده‌ها نشان داد که شفافیت در قانون‌گذاری، تخصیص منابع و اطلاع‌رسانی سیاسی نقشی اساسی در پاسخگو شدن محیط کسب‌وکار دارد. وجود الزامات قانونی برای شفاف‌سازی، انتشار عمومی مقررات، برنامه قانون‌گذاری و داده‌های سیاسی و گزارش‌های دوره‌ای عملکرد از مهم‌ترین مؤلفه‌های این بعد است. دسترسی آزاد به داده‌ها و سامانه‌های اطلاع‌رسانی برخط باعث کاهش عدم‌اطمینان در تصمیمات بنگاه‌ها و جلوگیری از فساد اداری می‌شود. بنابراین، شفافیت سیاسی نه تنها به بهبود پاسخگویی کمک می‌کند بلکه زمینه‌ساز اعتمادسازی متقابل میان دولت و بخش خصوصی است.

۴. نظام بازخورد؛ یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تأکید بر ضرورت استقرار نظام بازخورد و

ارزیابی مستمر سیاست‌ها است. وجود الزام قانونی برای ارزیابی سیاست‌ها، اجرای RIA

(ارزیابی اثر مقررات پیش از تصویب)، و انتشار عمومی نتایج ارزیابی‌ها از شاخص‌های کلیدی این بخش محسوب می‌شود. این سازوکارها به دولت اجازه می‌دهد تا سیاست‌های ناکارآمد را بر مبنای داده‌های واقعی اصلاح کرده و در برابر نتایج تصمیمات خود پاسخگو باشد. علاوه بر آن، ایجاد نظام‌های پاسخ‌گویی به شکایات و نظرات ذی‌نفعان موجب افزایش حس مشارکت و مالکیت فعالان اقتصادی نسبت به سیاست‌های دولتی می‌گردد.

۵. مشارکت ذی‌نفعان؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت واقعی و نظام‌مند ذی‌نفعان در فرایند خط‌مشی‌گذاری، یکی از ارکان اصلی پاسخ‌گویی و کارآمدی سیاست‌هاست. وجود چارچوب قانونی الزام‌آور برای مشارکت تشکلهای، انتشار پیش‌نویس سیاست‌ها پیش از تصویب، و پذیرش رسمی پیشنهادهای ارائه‌شده از سوی تشکلهای بخش خصوصی از شاخص‌های برجسته در این زمینه است. همچنین، فراهم‌سازی بسترهای دیجیتال برای ثبت و پیگیری پیشنهادات سیاستی و مشارکت گروه‌های کمتر برخوردار، موجب افزایش عدالت و مشروعیت سیاست‌گذاری می‌شود.

۶. مدیریت بحران بنگاه‌ها؛ در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که محیط سیاسی پاسخگو باید توانایی مدیریت بحران‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط را نیز داشته باشد. ایجاد پایگاه داده ملی بحران‌ها، تدوین سیاست‌های اصلاحی بر پایه درس‌آموخته‌های بحران‌ها و حمایت به‌موقع از بنگاه‌های آسیب‌دیده از عناصر این بعد محسوب می‌شوند. در واقع، پاسخ‌گویی سیاستی زمانی کامل است که دولت بتواند در شرایط بحرانی نیز، با اتکا به داده و هماهنگی بین‌نهادی، واکنش سریع و مؤثر نشان دهد.

محیط اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر؛ در تحلیل نهایی پژوهش، یکی از مضامین بنیادین مؤثر بر بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، محیط اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر بود. این مضمون نشان می‌دهد که ثبات، شفافیت و قابلیت اطمینان در متغیرهای اقتصادی و سیاستی، پیش‌شرط هرگونه تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری پایدار در بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (کسب و کارهای کوچک و متوسط) است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل مضامین حاکی از آن است که بنگاه‌های کوچک در فضای بی‌ثبات اقتصادی، توان برنامه‌ریزی و واکنش مؤثر به تغییرات محیطی را از دست می‌دهند. به همین دلیل، خط‌مشی‌گذاری در جهت پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصادی باید بر محورهای زیر استوار باشد:

۱. ثبات اقتصادی؛ ثبات اقتصادی به‌عنوان نخستین زیرمضمون، بر کنترل نوسانات

تورمی، ثبات نرخ ارز و کاهش بار مقرراتی تأکید دارد. کاهش هزینه‌های مقرراتی نظیر مالیات و بیمه، ایجاد نظام باثبات مالی و کنترل نوسانات ارزی از جمله الزامات اصلی ثبات اقتصادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «اعتماد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به سیاست‌های

اقتصادی دولت» شاخصی کلیدی در تعیین ثبات ذهنی و روانی محیط اقتصادی است. این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که تغییرات قوانین و مقررات با برنامه‌ریزی و اطلاع‌رسانی شفاف صورت گیرد و نهادهای اقتصادی در اجرای سیاست‌ها هماهنگی داشته باشند.

۲. حمایت از زنجیره ارزش؛ در گام دوم، حمایت از زنجیره ارزش به‌عنوان سازوکار هم‌افزایی میان بنگاه‌های کوچک و بنگاه‌های بزرگ‌تر یا دولتی مطرح است. ارتباط پایدار کسب و کارهای کوچک و متوسط با خریداران بزرگ و مشارکت آن‌ها در زنجیره‌های تأمین، موجب ارتقای بهره‌وری، یادگیری فناورانه و دسترسی به بازارهای گسترده‌تر می‌شود. شاخص‌هایی نظیر سهم کسب و کارهای کوچک و متوسط از قراردادهای عمومی، مدت زمان پرداخت مطالبات از سوی خریداران و میزان بهره‌مندی از خدمات توسعه بازار، نشان‌دهنده عمق این پیوند هستند. همچنین ایجاد خوشه‌های صنعتی و بازارچه‌های حمایتی داخلی در سطح استانی و منطقه‌ای، از مهم‌ترین سیاست‌های مؤثر در تقویت زنجیره ارزش محسوب می‌شود.

۳. تخصیص هدفمند منابع؛ زیرمضمون سوم، تخصیص هدفمند منابع است که بر کارآمدی نظام حمایتی دولت تمرکز دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نارضایتی بنگاه‌های کوچک از سیاست‌های حمایتی، ناشی از عدم شفافیت در تخصیص منابع و غیبت نظام رقابتی در دریافت حمایت‌ها است. ایجاد سازوکارهای فراخوان رقابتی، رتبه‌بندی اعتباری بنگاه‌ها، و تخصیص منابع به گروه‌های نوپا یا کمتر برخوردار از جمله راهکارهای مؤثر در افزایش اثربخشی حمایت‌ها شناخته شدند. خطمشی‌گذاران باید معیارهای تخصیص منابع را بر مبنای ارزیابی عملکرد و شایستگی بنگاه‌ها بازتعریف کنند.

۴. ابزارهای تأمین مالی؛ در تداوم بحث، ابزارهای تأمین مالی متنوع و قابل دسترس به‌عنوان عامل حیاتی در پایداری بنگاه‌های کوچک و متوسط شناسایی شد. محدودیت در دسترسی به تسهیلات بانکی، نرخ سود بالا و وثیقه‌های سنگین از موانع تداوم فعالیت کسب و کارهای کوچک و متوسط هستند. سیاست‌های جدید باید به توسعه ابزارهای تأمین مالی غیربانکی نظیر سرمایه جسورانه، لیزینگ، ضمانت‌نامه‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری جمعی متمرکز شوند. همچنین پوشش ریسک مالی از طریق بیمه‌های اعتباری و مشارکت صندوق‌های محلی و تعاونی‌ها در تأمین مالی اجتماعی، نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری مالی بنگاه‌ها دارد.

۵. مشوق‌ها و تاب‌آوری اقتصادی؛ در نهایت، دو مضمون مشوق‌ها و تاب‌آوری اقتصادی مکمل یکدیگرند. مشوق‌های طراحی‌شده برای بنگاه‌های کوچک باید هدفمند، شفاف و مبتنی بر داده‌های عملکردی باشند. تخصیص مشوق‌ها از طریق فراخوان رقابتی و انتشار

دستورالعمل‌های روشن، موجب افزایش اعتماد و مشارکت کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌شود. از سوی دیگر، تاب‌آوری اقتصادی کسب و کارهای کوچک و متوسط در برابر بحران‌ها، مانند همه‌گیری کرونا یا شوک‌های ارزی، تابعی از سرعت و دقت مداخله‌های سیاستی است. سیاست‌های کلان حمایتی، ابزارهای پوشش ریسک و برنامه‌های بازگشت پس از بحران، ظرفیت ماندگاری و بازیابی بنگاه‌ها را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهند.

محیط اجتماعی-فرهنگی توانمندساز؛ یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، اهمیت محیط اجتماعی-فرهنگی توانمندساز در شکل‌گیری و پایداری فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط است. این محیط نه تنها بستر تعامل اقتصادی را فراهم می‌کند، بلکه از طریق ایجاد هنجارها، ارزش‌ها و شبکه‌های حمایتی، بر انگیزش، نوآوری و همکاری میان بنگاه‌ها اثرگذار است. نتایج نشان داد که سیاست‌های اقتصادی بدون پشتوانه فرهنگی و اجتماعی مناسب، در ایجاد تحولات پایدار ناکام می‌مانند. این مضمون فراگیر از پنج مضمون فرهنگ کار و اخلاق، و همکاری شبکه‌ای. هر یک از این مضامین به‌عنوان ستون‌های اجتماعی و فرهنگی پایداری فضای کسب‌وکار تبیین می‌شوند.

۱. فرهنگ کارآفرینی؛ فرهنگ کارآفرینی به‌منزله سنگ‌بنای این محیط توانمندساز مطرح است. یافته‌ها نشان داد که ارتقای نگرش عمومی نسبت به کارآفرینی، پذیرش شکست در کسب‌وکار و پوشش رسانه‌ای مثبت از کارآفرینان از مهم‌ترین عوامل ایجاد انگیزه و کاهش ترس اجتماعی از خطرپذیری است. شاخص‌هایی مانند پوشش آموزش کارآفرینی در نظام رسمی، اجرای کمپین‌های رسانه‌ای و معرفی الگوهای موفق کسب و کارهای کوچک و متوسط در رسانه‌ها، بیانگر میزان نفوذ فرهنگ کارآفرینی در جامعه‌اند. خط‌مشی‌گذاران باید آموزش‌های کارآفرینی را از سطح مدرسه تا دانشگاه و نیز در نظام مهارت‌آموزی گسترش دهند تا گرایش به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی معتبر در فرهنگ عمومی نهادینه شود.

۲. توانمندسازی؛ زیرمضمون دوم به توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص دارد. توانمندسازی در این پژوهش، فراتر از آموزش بوده و شامل دسترسی به شبکه‌های مشاوره، مربی‌گری، نوآوری و خدمات دیجیتال‌سازی است. شاخص‌هایی مانند تنوع خدمات توانمندسازی، رضایت بنگاه‌ها از مشاوره و میزان مشارکت در دوره‌های مهارتی، میزان موفقیت نظام‌های پشتیبان را نشان می‌دهد. به‌ویژه، گسترش مراکز توانمندسازی در استان‌ها و اجرای طرح‌های استادشاگردی و کارآموزی SME محور، از اقدامات کلیدی برای ارتقای ظرفیت‌های انسانی و مدیریتی بنگاه‌هاست.

۳. دسترسی برابر به فرصت‌ها؛ تحلیل داده‌ها نشان داد که دسترسی برابر به فرصت‌ها

یکی از عناصر عدالت‌محور در بهبود محیط کسب‌وکار است. سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که بنگاه‌های واقع در مناطق کمتر برخوردار، بنگاه‌های متعلق به زنان و جوانان، و نیز گروه‌های اجتماعی کم‌برخوردار از سهم عادلانه‌ای در برنامه‌های حمایتی برخوردار شوند. وجود سامانه‌های هدفمندسازی فرصت‌ها، پایش پراکندگی جغرافیایی حمایت‌ها، و حضور کسب و کارهای کوچک و متوسط مناطق محروم در قراردادهای دولتی، شاخص‌های کلیدی این مضمون هستند. خطمشی‌گذاری عادلانه و داده‌محور در این حوزه، تضمین‌کننده پایداری اجتماعی و مشارکت گسترده‌تر در فضای کسب‌وکار است.

۴. فرهنگ کار و اخلاق؛ چهارمین زیرمضمون، فرهنگ کار و اخلاق حرفه‌ای است که به تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد میان ذی‌نفعان اقتصادی کمک می‌کند. نتایج نشان داد که اجرای برنامه‌های ملی ترویج فرهنگ کار، تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای در بنگاه‌ها و افزایش اعتماد عمومی به کسب و کارهای کوچک و متوسط از مؤلفه‌های حیاتی در شکل‌گیری محیط کاری سالم و کارآمد هستند. فرهنگ کار قوی باعث کاهش تعارضات، افزایش کیفیت خدمات و ارتقای اعتبار کسب‌وکارها می‌شود. از این‌رو، خطمشی‌گذاران باید در کنار سیاست‌های مالی و فنی، به سرمایه‌گذاری فرهنگی در ارتقای اخلاق کاری توجه ویژه داشته باشند.

۵. همکاری شبکه‌ای؛ آخرین مضمون سازمان‌دهنده، همکاری شبکه‌ای است که به‌عنوان عامل پیشران در نوآوری، اشتراک دانش و تاب‌آوری اقتصادی عمل می‌کند. عضویت بنگاه‌ها در اتحادیه‌ها، مشارکت در خوشه‌های صنعتی، استفاده از پلتفرم‌های شبکه‌سازی بنگاه‌به‌بنگاه و شکل‌گیری کنسرسیوم‌های همکاری، از شاخص‌های کلیدی این حوزه هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد متقابل میان کسب و کارهای کوچک و متوسط و دولت و نیز میان خود بنگاه‌ها، شرط لازم برای شکل‌گیری همکاری‌های مؤثر است. ابتکارهای ملی برای تقویت همکاری و توافق‌نامه‌های رسمی میان تشکل‌ها، زمینه‌ساز رشد هم‌افزا در زنجیره‌های تأمین و بازارهای داخلی می‌شود.

محیط فناورانه نوآور؛ از یافته‌های بنیادین پژوهش، اهمیت محیط فناورانه نوآور در توانمندسازی و رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط (کسب و کارهای کوچک و متوسط) است. در فضای پویای اقتصادی امروز، نوآوری به منزله‌ی نیروی محرکه‌ی رشد، بهره‌وری و تاب‌آوری عمل می‌کند و به بنگاه‌ها امکان می‌دهد تا در برابر تغییرات سریع فناوری و بازار انعطاف نشان دهند. محیط فناورانه نه تنها ابزار فنی و زیرساختی برای رشد را فراهم می‌آورد، بلکه چارچوب نهادی و فرهنگی لازم برای خلق، تبادل و به‌کارگیری دانش را نیز شکل می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، این مضمون فراگیر از شش مضمون سازمان‌دهنده

تشکیل شده است: سیاست نوآورانه، زیرساخت‌های دیجیتال، توسعه دانش و سرمایه انسانی فناوریانه، حمایت از نوآوری، کارآفرینی مبتنی بر فناوری و نوآوری، و شبکه‌سازی دانشی و گذار سبز.

۱. سیاست نوآورانه؛ تحلیل داده‌ها نشان داد که وجود سیاست نوآورانه فعال و آینده‌نگر، زیربنای هدایت و پشتیبانی از نوآوری در سطح ملی و بنگاهی است. نظام پیش‌بینی فناوری‌های نو، واحد واکنش سریع سیاستی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط و سامانه پایش سیاست‌های فناوریانه، از ابزارهای کلیدی این حوزه هستند. وجود چارچوب‌های سیاستی مصوب برای فناوری‌های نو و نقشه‌راه استانداردهای تبادل‌پذیری داده نیز، نشان‌دهنده بلوغ حکمرانی فناوریانه است. در نتیجه، سیاست‌گذاری نوآورانه باید از حالت واکنشی خارج شده و به شکل یادگیرنده و تطبیقی عمل کند تا فاصله زمانی میان ظهور فناوری و واکنش سیاستی به حداقل برسد.

۲. زیرساخت‌های دیجیتال؛ زیرساخت‌های دیجیتال بستر اجرایی و عملیاتی نوآوری هستند. نتایج نشان داد که دسترسی پایدار به اینترنت پهن‌بند، بهره‌مندی از خدمات ابری، مشارکت در پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و پذیرش پرداخت‌های دیجیتال از مهم‌ترین شاخص‌های آمادگی دیجیتال کسب و کارهای کوچک و متوسط است. ضعف در این زیرساخت‌ها باعث محدود شدن توان حضور در بازارهای ملی و بین‌المللی می‌شود. همچنین، پذیرش استانداردهای امنیت سایبری و اتصال بنگاه‌ها به زنجیره‌های تأمین دیجیتال، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری و شفافیت اقتصادی دارند.

۳. توسعه دانش و سرمایه انسانی فناوریانه

سومین مضمون سازمان‌دهنده به توسعه دانش و سرمایه انسانی فناوریانه مربوط می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود کارکنان آموزش‌دیده در فناوری‌های نو، گسترش سواد فناوریانه در جمعیت فعال و آموزش مهارت‌های داده‌محور، به‌طور مستقیم با سطح نوآوری بنگاه‌ها ارتباط دارد. حضور دانشگاه‌ها در تدوین برنامه‌های درسی کارآفرینی فناوریانه و همکاری نظام آموزشی با بنگاه‌ها برای پرورش مهارت‌های دیجیتال از الزامات کلیدی است. سیاست‌های ملی توانمندسازی فناوریانه باید با هدف ارتقای یادگیری مادام‌العمر و پرورش مهارت‌های آینده‌محور تدوین شوند.

۴. حمایت از نوآوری؛ حمایت هدفمند از نوآوری، شرط لازم برای پویایی زیست‌بوم فناوری است. شاخص‌هایی چون دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی نوآوری، افزایش سهم هزینه تحقیق و توسعه از کل هزینه‌های عملیاتی، و استفاده از خدمات مراکز رشد و پارک‌های فناوری، نشان‌دهنده سطح حمایت نظام‌مند از فرایند نوآوری هستند. نتایج حاکی از آن است

که نظام‌های حمایتی باید به صورت رقابتی، شفاف و مبتنی بر ارزیابی بازگشت سرمایه نوآوری طراحی شوند تا انگیزه‌ی پایداری برای نوآوری در بنگاه‌ها ایجاد شود.

۵. کارآفرینی مبتنی بر فناوری و نوآوری؛ چهارمین مضمون سازمان‌دهنده، کارآفرینی

فناورانه است که پیوندی میان پژوهش، نوآوری و بازار ایجاد می‌کند. یافته‌ها نشان داد که کسب و کارهای کوچک و متوسط نوپای دارای مدل کسب و کار فناورانه و بنگاه‌های برخاسته از مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها، سهم چشمگیری در خلق ارزش افزوده و اشتغال فناورانه دارند. نرخ تجاری‌سازی نتایج پژوهش و برنامه‌های ملی حمایت از کارآفرینی فناورانه، شاخص‌های اصلی موفقیت در این حوزه‌اند. خطمشی‌گذاران باید سازوکارهایی برای تسهیل تبدیل دانش به محصول و کاهش فاصله میان تحقیق و بازار طراحی کنند.

۶. شبکه‌سازی دانشی و گذار سبز؛ آخرین مضمون، به دو بعد مرتبط اشاره دارد:

شبکه‌سازی دانشی و گذار سبز. شبکه‌سازی دانشی از طریق پلتفرم‌های تبادل دانش میان کسب و کارهای کوچک و متوسط و مراکز پژوهشی، موجب تسریع یادگیری جمعی و هم‌افزایی نوآوری می‌شود. توافق‌نامه‌های انتقال فناوری و پروژه‌های مشترک پژوهشی، نشانگر بلوغ تعاملات دانشی هستند. از سوی دیگر، گذار سبز کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان بعد نوظهور حکمرانی فناوری، ناظر بر توسعه پایدار و سازگار با محیط زیست است. شاخص‌هایی مانند دریافت گواهی‌های زیست‌محیطی، دسترسی به تأمین مالی سبز و کاهش شدت انرژی، بیانگر حرکت تدریجی بنگاه‌ها به سوی تولید پاک و کارآمد است.

محیط بین‌المللی رقابت‌پذیر؛ در تبیین مضمون فراگیر «محیط بین‌المللی رقابت‌پذیر»

می‌توان بیان داشت که این بُعد از مدل خطمشی‌گذاری بهبود محیط کسب و کارهای کوچک و متوسط (کسب و کارهای کوچک و متوسط)، بر ظرفیت بنگاه‌ها برای حضور فعال، مستمر و موفق در بازارهای منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. این مضمون بر پایه سه مضمون سازمان‌دهنده شامل دسترسی به بازارهای جهانی، خدمات پشتیبان صادرات و رقابت‌پذیری بین‌المللی استوار است که هر یک، وجهی از پویایی تعامل کسب و کارهای کوچک و متوسط با نظام اقتصادی بین‌الملل را تبیین می‌کنند.

۱. دسترسی به بازارهای جهانی؛ در سطح نخست، دسترسی به بازارهای جهانی

نشان‌دهنده توان و فرصت بنگاه‌های کوچک و متوسط برای حضور در زنجیره ارزش جهانی و دستیابی به بازارهای صادراتی پایدار است. وجود شبکه‌های دائمی فروش در سطح منطقه‌ای و جهانی، مشارکت در زنجیره ارزش، افزایش سهم صادرات از کل صادرات کشور و حضور فعال در پلتفرم‌های بین‌المللی تجارت، مؤلفه‌هایی هستند که بیانگر انسجام و عمق نفوذ بین‌المللی کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشند. در این راستا، خطمشی‌های ملی

تسهیل‌کننده تجارت — مانند اصلاح رویه‌های گمرکی، استانداردهای و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل — نقش مهمی در تسریع دسترسی به بازارهای هدف ایفا می‌کنند.

۲. خدمات پشتیبان صادرات؛ در سطح دوم، خدمات پشتیبان صادرات نقش تسهیل‌گر و توانمندساز را بر عهده دارد. بهره‌مندی بنگاه‌ها از مشاوره‌های تخصصی صادرات، بیمه و ضمانت‌نامه‌های صادراتی، و دسترسی به مراکز خدمات پشتیبان در سطح استانی، از جمله عوامل کلیدی پشتیبانی از توسعه صادرات کسب و کارهای کوچک و متوسط هستند. همچنین، حضور در رویدادها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، استفاده از خدمات لجستیک سازمان‌یافته، و برخورداری از مشوق‌های مالیاتی و گمرکی صادرات‌محور، در کنار ایجاد چارچوب رسمی جوایز صادراتی، بیانگر وجود یک نظام حمایتی جامع برای ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح بین‌المللی است.

۳. رقابت‌پذیری بین‌المللی؛ در سطح سوم، رقابت‌پذیری بین‌المللی بر کیفیت، نوآوری و انطباق محصولات کسب و کارهای کوچک و متوسط با استانداردهای بازارهای جهانی متمرکز است. مؤلفه‌هایی نظیر ثبت برند بین‌المللی، استفاده از ابزارهای مالی تجارت بین‌الملل (نظیر LC، فورفیتینگ یا تأمین مالی زنجیره‌ای)، سهم تحقیق و توسعه از فروش صادراتی، و انطباق فنی محصولات با الزامات بازار هدف، از نشانه‌های بلوغ و پایداری در رقابت جهانی‌اند. همچنین، تولید محصولات صادراتی جدید و کاهش شکاف قیمت با میانگین منطقه، به‌منزله شاخص‌هایی از چابکی و نوآوری در راهبردهای صادراتی بنگاه‌ها است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، موارد زیر می‌تواند به دست‌اندرکاران پیشنهاد گردد؛ طراحی و استقرار نظام جامع خط‌مشی‌های هماهنگ برای کسب و کارهای کوچک و متوسط با تمرکز بر یکپارچه‌سازی قوانین، مقررات و نهادهای پشتیبان در سطح ملی و استانی. این نظام باید با ایجاد «پنجره واحد سیاستی» برای تعامل میان بنگاه‌ها و دستگاه‌های دولتی، فرآیندهای مجوزدهی، مالیات، بیمه و ثبت مالکیت فکری را ساده‌سازی کرده و از تداخل نهادی و مقرراتی جلوگیری کند.

ایجاد صندوق توسعه مالی یکپارچه کسب و کارهای کوچک و متوسط با رویکرد حمایت‌هوشمند از بنگاه‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر (نوپا، رشد، تثبیت). این صندوق باید ترکیبی از ابزارهای مالی نوین (گرنٹ، ضمانت، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و وام سبز) را به‌کار گیرد و از طریق اتصال به شبکه بانکی و بازار سرمایه، جریان تأمین مالی پایدار و مبتنی بر عملکرد را برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط فراهم کند.

ایجاد نقشه‌راه ملی نوآوری برای کسب و کارهای کوچک و متوسط با هدف پیوند

سیاست‌های فناوری، آموزش و کارآفرینی فناورانه. این نقشه باید شامل نظام پیش‌بینی فناوری‌های نو، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، برنامه‌های ارتقای سواد فناورانه کارکنان و سازوکارهای حمایت از نوآوری و تجاری‌سازی در کسب و کارهای کوچک و متوسط باشد. تمرکز این نقشه‌راه بر هم‌افزایی میان دولت، دانشگاه‌ها و مراکز رشد در جهت ایجاد اکوسیستم نوآوری پایدار است.

ایجاد شبکه ملی دیپلماسی صادرات کسب و کارهای کوچک و متوسط با مأموریت تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به بازارهای منطقه‌ای و جهانی. این شبکه باید از طریق استقرار دفاتر تجاری در بازارهای هدف، ارائه خدمات مشاوره تخصصی صادرات، پشتیبانی از ثبت برند بین‌المللی و تأمین مالی صادراتی، به افزایش حضور پایدار کسب و کارهای کوچک و متوسط در زنجیره ارزش جهانی و کاهش موانع تجاری کمک کند.

راه‌اندازی پلتفرم ملی یادگیری و شبکه‌سازی دانشی کسب و کارهای کوچک و متوسط با هدف ارتقای ظرفیت‌های دانشی و مدیریتی بنگاه‌ها از طریق تبادل تجربیات، آموزش‌های هدفمند و همکاری میان بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی. این پلتفرم باید بستری برای یادگیری مادام‌العمر مدیران و کارکنان، توسعه مهارت‌های داده‌محور، و شکل‌گیری خوشه‌های نوآورانه و تعاونی در سطح ملی فراهم آورد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، وابستگی داده‌ها و مضامین استخراج‌شده به برداشت‌های خبرگان داخلی در چارچوب نهادی ایران است. از آنجا که محیط خطمشی‌گذاری در کشورهای مختلف دارای تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اقتصادی است، تعمیم‌پذیری کامل نتایج این مطالعه به سایر کشورها یا حتی سایر بخش‌های اقتصادی نیازمند احتیاط است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، الگوی خطمشی‌گذاری بهبود محیط کسب و کار کسب و کارهای کوچک و متوسط با رویکرد مقایسه‌ای بین‌المللی توسعه یابد؛ به گونه‌ای که کشورهای موفق در سیاست‌های حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط (مانند کره جنوبی، ترکیه یا مالزی) با ایران مقایسه شوند. این رویکرد تطبیقی می‌تواند به شناسایی عوامل بومی‌سازی‌شده موفقیت و انتقال تجارب سیاستی در تدوین خطمشی‌های آینده کمک کند.

تشکر و قدردانی

در پایان این مقاله، از زحمات تمامی افراد مورد مصاحبه و سازمان مورد مطالعه قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسنده(گان) اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و

ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منابع

فیض پور، محمد علی و پوش دوزباشی، هانیه. (۱۳۸۷). بنگاه های کوچک و متوسط با رشد سریع و سهم آنها در ایجاد اشتغال (مطالعه صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه). *پژوهش های اقتصادی ایران*، ۱۲(۳۷)، ۱۲۷-۱۵۳.

هداوند، داود؛ نادری، نادر و رضایی، بیژن. (۱۴۰۱). طراحی مدل توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط با تاکید بر نقش اقتصاد مقاومتی. *نشریه علمی پژوهشی مدیریت کسب و کارهای بین المللی*، ۵(۴)، ۱۳۷-۱۵۸.

Abdi, M. (2017). Supporting SMEs to raise production, employment. *Tehran Times*, December 6.

Chen, L., & Li, M. (2023). Analysis of the differentiated effects of innovation policies on the competitiveness of high-tech and traditional SMEs in China. *Journal of Business Strategy and Management*, 16(3), 205–222.

Davis, J. (2010). *Business Environment: Concepts and Analysis* (Vol. 1, p. 123). New York, NY: McGraw-Hill.

Dye, T. R. (2013). *Understanding Public Policy* (14th ed., Vol. 1, pp. 15-30). Pearson Education.

Etemad, H., & Wright, R. (2020). Policy frameworks for SME development: Comparative perspectives. *Journal of Small Business Management*, 58(3), 415–437.

Garcia, R., & Martínez, A. (2024). Assessing the impact of comprehensive policy models on business environment indicators for SMEs in Latin America. *Latin American Journal of Economic Policy*, 12(1), 45–60.

He, S., & Yao, H. (2022). Business environment, human capital structural upgrading, and economic development quality. *Frontiers in Environmental Science*, 10, Article 964922. <https://doi.org/10.3389/fenvs.2022.964922>

Hefetz, A., & Warner, M. E. (2001). Privatization and its reverse: Explaining the dynamics of the government contracting process. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 11(2), 171–190.

Helfat, D. (2015). *Small and Medium Enterprises in Emerging Economies* (Vol. 1, p. 65). London, UK: Routledge.

Hosseini, M., & Ghaffari, M. (2020). A study of the challenges of the business environment of small and medium-sized enterprises (SMEs) in Iran. *Iranian Journal of Economic Development Studies*, 10(3), 45–66.

Hosseini, S. A., Mojibi, T., Mahdizadeh Ashrafi, A., & Vazifehdoust, H. (2018). Designing a policymaking model for the development of small and medium-sized enterprises (SMEs) with emphasis on innovation (Case study:

- Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare). *Urban Economics and Management*, 7(25), 99–115.
- Hosseinpour, M., et al. (2020). SMEs constitute more than half of businesses in developing countries. *Studia Universitatis-Matej Belič*, No. 8713/1.
- Howlett, M., & Ramesh, M. (2016). *Designing Public Policies* (Vol. 2, p. 47). New York, NY: Routledge.
- Howlett, M., & Ramesh, M. (2016). *Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems* (4th ed., Vol. 2, pp. 47-68). Oxford University Press.
- Hu, S. (2024). Exploring business environment policy changes in China using quantitative text analysis. *Sustainability*, 16(5), 2159.
- Jafari, M. R. (2022). *What are the Factors Contributing to the Failure of Iranian SMEs?* M.A. Thesis, University of Padua.
- Jafari, M., & Mohammadi, H. (2021). Integrating institutional, financial, and technological factors in Iranian SMEs. *Iranian Journal of Economic Studies*, 15(2), 77–102.
- Kingdon, J. W. (2014). *Agendas, Alternatives, and Public Policies* (2nd ed., Vol. 1, pp. 89-112). Pearson.
- Kovács, P., & Rădulescu, S. (2024). Designing a framework for evaluating business environment policies focusing on SME sustainable development in the European Union. *Sustainability Policy Review*, 7(2), 112–130.
- Landjohou, G. (2024). The Effects of Government Policies on SME Growth in Developing Economies: A Comprehensive Review. *International Journal of Business & Computational Science*, Vol. (special issue), 1-15.
- Lasswell, H. D. (1951). *The Policy Orientation* (pp. 7-25). Stanford University Press.
- Lasswell, H. D. (1951). *The Policy Orientation*. New York, NY: Peter Smith.
- Lee, J., Park, H., & Kim, Y. (2024). The ecosystem-based policy model for improving SME access to international markets. *International Business Review*, 33(4), 102170.
- The Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2021). *Report on the ease of doing business in Iran*. Tehran: Office of Economic Studies.
- Mazzucato, M. (2013). *The Entrepreneurial State: Debunking Public vs. Private Sector Myths*. London: Anthem Press.
- OECD. (2020). *SMEs and entrepreneurship: Key links*. Paris: OECD Publishing.
- OECD. (2021). *SME and entrepreneurship policy frameworks across OECD countries: An OECD strategy for SMEs and entrepreneurship* (OECD Publishing). OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/9f6c41ce-en>
- Ojiambo, S. (2023). Why SMEs are key to a more sustainable and inclusive world. *World Economic Forum*. Retrieved from <https://www.weforum.org>
- Özkan, E., & Demirel, H. (2023). The role of governance and corruption in moderating the effect of fiscal policies on SME growth in developing countries. *Governance and Development Studies*, 10(4), 310–325.
- Porter, M. E. (1980). *Competitive Strategy: Techniques for Analyzing Industries and Competitors* (Vol. 1, p. 45). New York, NY: Free Press.
- Rahimi, M. (2019). *The role of national policies in the development of small and medium-sized enterprises in Iran* (Doctoral dissertation, University of Tehran).

- Rezaei Motlagh, R., Nasrollahi, M., & Anousheh, M. (2020). *A review of barriers and challenges of small and medium-sized enterprises in Iran. The 5th National Conference on Economics, Management, and Accounting, Ahvaz*. Retrieved from <https://civilica.com/doc/1231363>.
- Riazi, M., & Bahreini, R. (2022). *The impact of improving business environment indicators on the establishment of small and medium-sized enterprises in the context of support and obstacle removal*. *Journal of Defense Economics and Sustainable Development*, 7(23), 53–79.
- Sabatier, P. A. (2007). *Theories of the Policy Process* (2nd ed., Vol. 3, pp. 102-125). Westview Press.
- Shahsavari, H. R., Taheri Goodarzi, H., & Kameli, M. J. (2022). Identifying components and indicators of the model for evaluating industrial policies with an approach to production boom in small and medium-sized business clusters. *Iranian Management Sciences Association Quarterly*, 17(66), 145–168.
- Stigler, G. (2011). *Economic Regulation and Business Environment* (Vol. 2, p. 98). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- World Bank. (2020). *Doing Business Report 2020* (p. 217). Washington, DC: World Bank Publications.
- World Bank. (2020). *Doing Business Report 2020* (p. 217). Washington, DC: World Bank Publications.
- Yadewani, E., et al. (2024). Influence of Public Policy on Business Strategy: A Systematic Review. *Journal of Enterprise and Development (JED)*, 6(2), 500-513.